

کلیسای مرا بنا کنید

نوشته: ملوین ل. هاجز
دبیر کلیساهای امریکای لاتین

فصل اول: تأسیس کلیسای عهد جدید	۱
فصل دوم: ترویج خود به خود	۴
فصل سوم: خودمختاری	۹
فصل چهارم: اداره کلیسای کشوری	۱۵
فصل پنجم: خودپردازی	۲۱
فصل ششم: نیروی محرکه کلیسای عهد جدید	۲۶
ضمیمه الف: راهنمای پیشنهادی برای تعلیم تازه‌ایمانان	۲۸

فصل اول: تأسیس کلیسای عهد جدید

«کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت» (متی ۱۶: ۱۸). چرا انجیل را موعظه می‌کنیم؟ مقصود از دعاها، زحمات، فداکاری و موعظه ما چیست؟ همه میسیونرها و حتی اعضای کلیساهای محلی ما، باید هدف واضح و معلومی داشته باشند. ظاهراً این موضوع ساده به نظر می‌رسد، ولی اگر چنانچه این سؤال را از میسیونرها و شبانان همه گروه‌های انجیلی جهان بکنیم بدیهی است که جواب‌های مختلفی خواهیم شنید، شاید بعضی‌ها جواب بدهند که مقصودشان از بشارت انجیل این است که مردم را مسیحی کنند تا در نتیجه اوضاع اجتماعی بهتر شود و هر کسی بتواند در زندگی خوشحال‌تر و سالم‌تر باشد. دیگران ممکن است بگویند که مقصودشان نجات جان‌هاست و دسته سوم جواب بدهند که هدفشان این است که به همه خلائق شهادت بدهند تا مراجعت مسیح زودتر انجام گیرد. همه این هدف‌ها نیکوست، ولی هیچ کدام کافی نمی‌باشد. هدف نهایی ما و وسایلی که برای نیل به این هدف به کار می‌بریم کاملاً به هم بستگی دارند. اگر چنانچه هدف روشنی در جلوی چشم خود نداشته باشیم ممکن است در انتخاب روش‌های کار دچار اشتباه بشویم و ثمره حقیقی زحمات خود را بدست نیاوریم. عیسی هدف خود را با این جمله بیان کرد: «کلیسای خود را بنا می‌کنم.» پولس رسول می‌گوید که عیسی کلیسا را محبت نمود و جان خود را در راه آن فدا ساخت.

خود پولس نیز در طی رسالتش زحماتی را که به خاطر کلیسا متحمل می‌شد شرح می‌دهد. ما نمی‌توانیم هدف بهتری از آنچه در عهد جدید بیان شده داشته باشیم. بنابراین می‌توانیم هدف خود را اینطور تشریح کنیم: می‌خواهیم در کشوری که زحمت می‌کشیم کلیسایی قوی مطابق نمونه‌ای که در عهد جدید هست بنا کنیم. به علاوه، ما ایمان داریم که برای رسیدن به این هدف، باید از روش‌های عهد جدید پیروی نماییم. مثال زیر لزوم داشتن یک هدف روشن را تأیید می‌کند. چند سال پیش عده‌ای میسیونر توسط گروهی که رسانیدن بشارت مسیح را به تمام جهان مهم‌ترین کار می‌دانست، به کشورهای خارج فرستاده شدند. آنها هدف و روش‌های کار خود را بر این فرمایش مسیح بنا کرده بودند که «به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود...». چون می‌خواستند زمان برگشت مسیح را نزدیکتر کنند و می‌دانستند که قبل از برگشتش باید فرمان بزرگ او در مورد رسانیدن بشارت به تمام عالم اجرا شود، آنها تصمیم گرفتند که میسیونرها نباید مدت زیادی در یک محل بمانند، بلکه به سرعت از شهری به شهر دیگر رفته و انجیل را بشارت دهند. برای حفظ نتایج کار کوشش زیادی به عمل نیامد. نوایمانان را جمع نمی‌کردند تا برای آنها کلیسایی تشکیل داده و تعلیمشان بدهند که چگونه زندگی کلیسایی را ادامه دهند. در نتیجه، بعد از سال‌ها زحمت و رنج و کوشش نتایج ثابتی که بدست آوردند بسیار ناچیز بود. آنها بشارت را به منطقه وسیعی رسانیده بودند، ولی کلیساهایی تشکیل نشده بود. آنها از این حقیقت غافل بودند که گرچه رسانیدن بشارت مهم است، ولی هدف نهایی رسانیدن بشارت این است که قومی برای خداوند عیسی مسیح از میان جهان فرا خوانده شود.

کلیسا خود از طرف خدا نمایندگی دارد که بشارت به مردم برساند. بالاخره گروه میسنویری مزبور وضعیت را مجدداً مورد بررسی قرار داد و روش‌های کار خود را عوض کرد و شیوه‌ای را اختیار نمود که در طی مدت طولانی کلیسای عیسی مسیح را تشکیل دهد. هنگامی که میسنوینی بهبود وضع اجتماعی مردم را هدف اصلی خود قرار داده، معمولاً به تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها و اجرای طرح‌های کشاورزی پرداخته است. این طرح‌ها همه خوبند و پیشرفت اجتماعی مردم نیز آرزوی هر مسیحی است، ولی طبق نقشه عهد جدید، اینها محصول درجه دوم هستند نه خود برنامه میسنویری. اگر متوجه این حقیقت نشویم، دست به ایجاد مؤسسات بزرگی می‌زنیم در حالی که خود کلیسا ضعیف می‌ماند. از مشاهدات خود پی برده‌ایم که وقتی اینگونه کارها در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، کلیسا آماده مقابله با بحران‌هایی از قبیل حمله دشمنان به کشور که قهراً باعث قطع شدن کمک‌های مالی و شخصی می‌شود، نمی‌باشد. کلیسایی که عادت کرده بود به کمک خارجی تکیه کند، در اینگونه مواقع نمی‌تواند روی پای خود بایستد و خود مؤسسات هم به دست دشمنان میفتد. کلیسایی که توانسته در شرایط مذکور در بالا استوار بماند، کلیسای بومی است که با روش عهد جدید بنا شده است.

خصوصیات کلیسای عهد جدید

بگذارید اصول کلیسای عهد جدید را که قصد تشکیل آن را داریم، مورد بررسی قرار بدهیم. مناسبی جمع می کردند که غالباً خانه یکی از ایمانداران و گاهی هم اماکن عمومی از قبیل کنیسه ها یا مدارس بود. این گروه ایمانداران در مواقع معینی بطور مرتب برای پرستش و یافتن تعلیم درمورد اصول و رفتار مسیحی دور هم جمع می شدند. عده ای به عنوان مشایخ و شماسان (خدام) از میان گروه ایمانداران انتخاب می شدند تا ایمانداران را در امر بشارت انجیل به همشهریان خود و مردم اطراف آن رهبری و هدایت کنند و در ضمن خدمات ضروری را نیز انجام دهند. مثلاً پولس در شهر تسالونیک بیش از چند هفته توقف نمود، ولی وقتی از آنجا رفت کلیسایی در آنجا تشکیل شده بود. در افسس مدت دو سال زحمت کشید و در مدرسه شخصی بنام تیرانوس تعلیم می داد. در نتیجه تمام آسیای صغیر کلام خداوند را شنید. سخنانی که پولس در موقع خداحافظی با کشیشان (مشایخ) افسس گفت اصول رابطه یک نفر میسیونر (مبشر) را با کلیسایی که وی تأسیس نموده است بیان می کند (اعمال رسولان فصل های ۱۹ و ۲۰ را ملاحظه کنید). پولس رسول برای مدت محدودی در یک محل توقف نمود، ولی کلیسایی بجا گذاشت که قادر بود خود را اداره کند و می توانست مخارج خود را تأمین کند و انجیل را هم در تمام نواحی اطراف موعظه کرد. بدیهی است که پولس برای شبانی کلیساهایی که تأسیس کرده بود، از اورشلیم یا انطاکیه کارکنان نخواست و تا آنجا که مدارک نشان می دهد پولس برای تأمین حقوق کارکنان کلیسا و یا ساختمان آن هیچگونه کمکی از انطاکیه یا اورشلیم نخواست است، بلکه برعکس می بینیم که پولس از این کلیساهای جدیدالتأسیس هدایا جمع می کند تا به مقدسین کلیسای اورشلیم (کلیسای مادر)، موقعی که آن منطقه دچار قحطی شده بود، کمک نماید. این امر نشان می دهد که روش های عهد جدید تا چه اندازه مؤثر می باشد، ولی ما در رویه کنونی خود چقدر از روش های مزبور منحرف شده ایم!

بنابراین کلیسای عهد جدید اولاً: خودش مسؤول ترویج و توسعه کار خودش بود. بدین معنی که کلیسا به اندازه کافی در خود قدرت حیات داشت که بتواند خویشتن را در سرتاسر نواحی اطراف با کوشش خود توسعه بدهد. کلیسا کارکنان را از میان خودش تهیه می کرد و کار با کوشش مسیحیان به خارج توسعه می یافت. ثانیاً: مسؤولیت اداره کلیسا بر عهده خودش بود. بدین معنی که امور کلیسایی توسط اشخاصی اداره می شد که روح القدس آنها را از میان ایمانداران محلی برانگیخته بود. ثانیاً: کلیسا استقلال مالی داشت. بدین معنی که برای تأمین مخارج کار خود به پول خارجی متکی نبود. به عبارت دیگر می توان گفت که کلیسای عهد جدید در کشوری که تشکیل می شد کلیسای «ملی» بود. آرزوی ما این است که کلیسای «ملی» که در کشور ماست توسعه بیابد. مقصود از این بیانات این است که کلیسای عیسای مسیح بایستی چنان در کشور ما تشکیل گردد که دارای ریشه های مستقل بوده و بتواند، بدون تکیه بیجا بر کمک مالی و پرسنلی از خارج، کار را ادامه دهد. در هر صورت می خواهیم مطالب فوق را بیشتر توضیح دهیم. وقتی می گوئیم که آرزوی ما این است که در کشور ما کلیسای «ملی» تشکیل گردد، مقصود این نیست که کلیسا دارای روح ملیت پرستی (ناسیونالیستی) باشد بطوری که منحصر و محدود به اهالی مملکت بشود و خارجی ها را بیرون کنند، بلکه مقصود این است که کلیسا برای حفظ موجودیت خودش متکی به کمک های مالی و پرسنلی خارجی نباشد.

هدفی که می خواهیم به آن برسیم همین است. در ضمن معتقدیم که آن روحی که مسیحیان و خادمینی را که از ملیت های دیگر هستند رد می کند با روح مسیحی توافقی ندارد. مسیحیان نباید طوری تحت تأثیر روح ناسیونالیستی قرار بگیرند که از یادشان برود که در بدن مسیح بین یهود و امت ها تفاوتی نیست و محبت مسیح تمام سرحدات سیاسی را زیر پا گذاشته و از آنها عبور می کند، ما معتقدیم که کلیسای عهد جدید از طرف بومیان اداره می شد و مخارج آن را نیز خود اهالی محل تهیه می کردند، ولی آنطور که امروزه روح ناسیونالیسم دیده می شود کلیسا خود را محدود نمی کرد. با توجه به این حقیقت که کلیساهای عهد جدید متکی به کارمند یا بودجه خارجی نبودند، بلکه واحدهای مستقل محلی و متکی به خود بودند، کلیسای امروزی را که برای ادامه حیات خود متکی به کمک خارجی می باشد چگونه می توان توجیه کرد؟ کلیساهایی را در خارج می شناسیم که بیش از بیست سال از تأسیس آنها می گذرد و جماعت نسبتاً بزرگی نیز دارند، ولی هنوز نمی توانند شبانان خود را نگه دارند. کلیسایی را می شناسیم که بعد از اینکه ده ها سال از تأسیس آن می گذشت، وقتی شبان آن به علت پیری و ضعف مجبور به کناره گیری از کار خود گردید، آن کلیسا از «هیأت میسیونری» تقاضا کرد که یک نفر میسیونر را به عنوان شبان برای آنها بفرستد. بدیهی است کلیسایی که از چنین رویه ای پیروی کند از نمونه ای که در عهد جدید داریم فرسنگها دور افتاده است.

حال بیا بید با این سؤال وضع خود را در مورد بررسی دقیق تری قرار دهیم. اگر چنانچه به علت یک پیشامد فوری، میسیون مجبور شود که میسیونرهای خود را فرا خواند و کمک‌های مالی را نیز قطع کند کار کلیسای ما چه وضعی پیدا خواهد کرد؟ آیا این امر به منزله یک ضربه مهلکی بر تن کلیسای ما خواهد بود یا کلیسا می‌تواند به کار خود ادامه دهد؟ این یک سؤال باطلی نیست، زیرا در سال‌های اخیر بعضی کشورها به عللی در خود را بر روی میسیونرها بسته‌اند. کمک‌های مالی خارجی قطع شده است کلیسا باید طوری بنا شود که دروازه‌های جهنم نتواند بر آن استیلا یابد. در یک کشور به خصوص، میسیون که عهده‌دار کمک‌های مالی آنجا بود دچار بحران مالی گردید و مجبور شد که تمام کمک‌هایی را که برای نگهداری شبانان می‌فرستاد قطع کند. در نتیجه چون شبانان وسیله معیشتی پیدا نکردند کلیساهای خود را ترک کرده مشغول کارهای دنیوی شدند. نتیجه این شد که کلیساهای متروک و جماعت‌ها پراکنده گردید. بدیهی است که در زندگی آن کلیسا اساساً اشتباهی وجود داشته است. یقیناً خدا نمی‌خواهد که در هیچ یک از کشورها کلیسا طوری بر میسیون خارجی متکی باشد که در صورت قطع شدن کمک، آن کلیسای جوان مریض شده و بمیرد.

می‌توان به هدف رسید

تشکیل کلیسایی که مطابق نمونه‌ای که در عهد جدید یافت می‌شود امکان‌پذیر است. این کار امکان‌پذیر می‌باشد، چون انجیل عوض نشده است. ما همان خدا را خدمت می‌کنیم و همانگونه که روح‌القدس او با کلیسای عهد جدید بود با ما نیز می‌باشد. مقصود ما این نیست که نمونه یا سیستم جدیدی را ارائه کنیم. فقط می‌خواهیم به نمونه‌ای که در عهد جدید یافت می‌شود برگردیم و دارای خصوصیات روش رسولان باشیم، چون انجیل برای تمام جهان است و با هر نوع آب و هوا و نژاد بشری و با هر طبقه اجتماعی و اقتصادی سازگار می‌باشد ما ایمان داریم که این کار امکان‌پذیر است. در هر جایی که با روش عهد جدید به انجیل موعظه و عمل شود نتیجه آن ایجاد یک کلیسای عهد جدید خواهد بود. مردم کشورهای دیگر نیز می‌توانند مانند مردم آمریکا و اروپا توبه کنند و از روح‌القدس قدرت یابند و کار کلیسا را به خوبی آنها پیش ببرند. خدا شخصاً پیام انجیل را طوری تنظیم کرده است که احتیاج آفریقایی‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها را رفع می‌کند. بنابراین در دنیا جایی یافت نمی‌شود که اگر تخم انجیل به طرز صحیحی کاشته شود یک کلیسای بومی به وجود نیآورد. روح‌القدس می‌تواند در یک کشور به اندازه کشور دیگری کار کند. اگر فکر کنیم که کلیسای جوان در کشوری همواره باید مورد توجه و حمایت میسیون مادر قرار گیرد. این یک نوع توهین است که نادانسته به مردم آن کشور می‌کنیم و نیز نشانه فقدان ایمان به خدا و به قدرت انجیل او می‌باشد.

سؤالات

- ۱- هدف عمده موعظه انجیل چیست؟
- ۲- به چه علت بشارت دادن بدون تشکیل کلیسا کار ناقصی است؟
- ۳- ضعف مؤسسات میسیونری که کاملاً از کلیسای محلی مستقل می‌باشند چیست؟
- ۴- پولس رسول در کار بشارت خود چه سرمشقی بجا گذاشت؟
- ۵- سه جنبه مهم یک کلیسای عهد جدید را نام ببرید.
- ۶- فرق بین یک «کلیسای ملی» و کلیسایی که دارای روح «ملیت پرستی» است شرح دهید.
- ۷- تکیه کردن بر کمک خارجی چه عیبی دارد؟
- ۸- به چه علت می‌توان ایمان داشت که تأسیس کلیسایی به شیوه عهد جدید در کشور ما نیز امکان‌پذیر است؟

یک کلیسای محلی سالم در رسانیدن پیام انجیل به نواحی اطراف، از طرف خدا سمت نمایندگی دارد. گرچه خدا به بعضی از مردان نعمت بشارت را داده و آنها مأموریت مخصوصی دارند که پیام مسیح را در جایی که نرسیده است وعظ کنند، ولی نباید نجات گمشدگان را فقط به عهده این عده قلیل از مبشرین وا گذاشت. هر مسیحی شاهدی است و هر ایمانداری باید صیاد مردم باشد. حیات، حیات را بوجود می‌آورد و اگر حیات پسر خدا در دل‌های ما باشد می‌خواهیم این حیات را به دیگران نیز برسانیم. می‌گویید در ایام بیداری بزرگ روحانی در کلیسای کره تا کسی شخص دیگری را نزد مسیح رهبری نکرده بود او را به آب تعمید نمی‌دادند. یک کلیسای شهادت‌دهنده کلیسای رشد‌کننده‌ای خواهد شد اگرچه واعظ آن شخصیت برجسته‌ای نباشد، به عبارت دیگر واعظ و شبان‌کاردان و برجسته هرگز نمی‌تواند کار بشارت انفرادی اعضای کلیسا را انجام دهد. هر کلیسایی نسبت به رسانیدن مژده انجیل به نواحی اطراف خود مسؤولیت مخصوصی دارد و این امر را باید اقلاً تا حدود نصف مسافتی که بین آن کلیسا و کلیسای دیگری هست توسعه دهد.

تأسیس شعبات

شبان کلیسا باید متوجه باشد که مبدا خدمتش به داخل ساختمان کلیسا محدود شود. امروزه اغلب اوقات ما فکر می‌کنیم که گناهکاران باید به کلیسا بیایند، ولی فکر نمی‌کنیم که باید کلیسا سراغ گناهکاران برود. عیسی به کلیسا فرمود: «به همه عالم بروید.» جلساتی که شبان در کلیسا تشکیل می‌دهد باید به منظور تقویت و جمع کردن مسیحیان دور هم و توسعه کار بطور دسته‌جمعی در تمام نواحی اطراف کلیسا باشد. خود شبان باید انجیل را در شهرها و دهات اطراف کلیسایش موعظه کند. این کار نباید بطور اتفاقی انجام گیرد، بلکه از روی نظم و ترتیب وقتی فرصت‌های مناسبی پیش می‌آید، او باید در منازل یا جاهای دیگری که برای اجتماع مناسب است جلسات وعظ و کانون شادی تشکیل دهد و ایمان داشته باشد که خدا افرادی را نجات خواهد داد و از ایمانداران گروهی به وجود خواهد آمد. شبان باید در انجام چنین کاری شخصا بذل کوشش نماید و نیز طرز انجام آن را به اعضای کلیسای خود نشان دهد، اما در عین حال نمی‌توان انتظار داشت که به تنهایی بتواند از عهده این کار برآید. کلیسا باید از بین اعضای خود لایق‌ترین و وفادارترین برادران را به عنوان واعظین غیر رسمی انتخاب نماید. در امریکای مرکزی کلیساهای ما برای اینگونه واعظین محلی یک گواهینامه شش ماهه صادر می‌کنند تا به مقامات محلی و مردم نشان بدهند که اجازه دارند دست به چنین فعالیت‌هایی بزنند. هیأت رهبران کلیسا مسؤولیت یکی از شعبات کلیسا را به یکی از واعظین غیر رسمی می‌سپارد.

غالباً واعظ غیر رسمی از ایماندارانی است که در نزدیکی محل جلسات زندگی می‌کند. به مقتضای اوضاع، شماسان نیز باید به عنوان واعظین محلی تشریک مساعی کنند، ولی باید توجه داشت که کلیسا می‌تواند واعظین محلی را از بین اعضای تعیین کند که هیچگونه سمت رسمی ندارند. معلمین مدرسه یکشنبه (کانون شادی) از کلیسای اصلی می‌توانند در تشکیل چنین مدرسه‌ای در شعبات کمک کننده دسته خانم‌های کلیسا و جرگه جوانان، نیز می‌توانند باعث تقویت و تشویق این کار بشوند. نباید فراموش کرد که شعبات کلیسا و مسؤولین آنها تحت سرپرستی شبان و هیأت رهبران کلیسای محلی می‌باشند. آنها نباید خود را مستقل بدانند، چون گواهینامه واعظین محلی از طرف کلیسای محلی صادر می‌شود نه از طرف اتحادیه کشوری کلیسا، بنابراین نباید از این ترسید که مبدا واعظ محلی اختیارات شبان را از دست وی بگیرد. کسانی که در شعبه کلیسا توبه می‌کنند باید برای تعمید تعلیم بگیرند. اگر شعبه به کلیسای اصلی نزدیک باشد در آنجا تعلیم خواهند گرفت، ولی هرگاه فاصله شعبه از کلیسای اصلی خیلی زیاد باشد باید در محل خودشان تعلیم داده شوند. راهنمای تعلیم تازه‌ایمانان را در صفحات آینده ملاحظه کنید. به مرور زمان ممکن است شعبه به صورت کلیسای مستقلی درآید. برای تشکیل و سازمان دادن به این گروه تازه، باید واعظ محلی با شبان خودش مشورت کند. شبان هم به نوبه خود با مقامات کلیسای آن منطقه مشورت خواهد نمود وقتی کلیسای جدید مرتب شد کاملاً امکان دارد اعضای آن بخواهند که همان واعظی که آنها را به معرفت خداوند رسانیده است سمت شبانی آنان را نیز بپذیرد. در این صورت واعظ تازه کار احتیاج به تعلیم خواهد داشت. کلیسای محلی باید با خواستن گزارش‌های هفتگی یا ماهیانه و تشکیل کلاس تعلیم برای واعظین غیر رسمی. وسایل تشویق

تربیت کارگر (واعظ)

در نتیجه اجرای این روش عملی بشارت گروهی واعظ با حرارت در اختیار شبان قرار خواهند گرفت. بدیهی است که بعضی از آنها هرگز از دایره واعظ محلی پا فراتر نخواهند نهاد، ولی امکان زیادی دارد که بسیاری از آنها واعظین تمام وقت بشوند. این امر مسؤولیت خطیری بر دوش شبان می‌گذارد، چون هر شبانی آرزو دارد که کار خودش پیشرفت کند لذا ممکن است برای شبان این تجربه پیش آید که واعظین تازه نفس را در دایره کلیسای محلی خودش نگهدارد. بعضی شبانان دوست دارند که اینگونه واعظین تا وقتی که به بنای کلیسای مرکزی کمک می‌کنند پیشرفت نمایند، ولی وقتی واعظی به فکر توسعه کار خودش افتاد کوشش می‌کنند تا او را از این فکر منصرف نمایند. شبانان باید روح بشارت و فرستادن مبشر را در خود پرورش دهند. در این مورد نیز دادن از گرفتن فرخنده‌تر است. تاکی که میوه بیاورد از باغبان برکت می‌یابد. آنانی که میوه نیاورند بالاخره بریده شده و در آتش افکنده خواهند شد. در کشور السالوادور کلیسایی را دیده‌ام که سال‌هاست واعظ محلی تربیت می‌کنند. تعداد اعضای این کلیسا هیچگاه از صد نفر تجاوز نکرده، ولی باعث برکت تمام نواحی اطراف شده است. مکرراً گروه‌هایی در فاصله چند میلی کلیسای اصلی تشکیل دیگری را شروع کرده‌اند. تعداد واعظین محلی معمولاً بین هشت الی دوازده نفر می‌باشد و هر سال این کلیسا عده‌ای از واعظین خود را به مدرسه کتاب مقدس می‌فرستد تا تعلیمات لازم را بگیرند. در طی سال‌های گذشته کلیسای مزبور بیش از سی نفر واعظ تحویل داده است که همگی مشغول خدمت خدا می‌باشند.

در این ضمن خود کلیسا نیز به رشد طبیعی و سالم خود ادامه داده است. روح بشارت در آنجا قوی است و موقعی که بعضی‌ها به مدرسه می‌روند، دیگران جای آنها را می‌گیرند و عهده‌دار فعالیت‌های کلیسا می‌شوند. پولس به تیموتاؤوس دستور داد: «آنچه بشود بسیار از من شنیدی به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند.» (دوم تیموتاؤوس ۲: ۲). شبان چگونه می‌تواند این نوع واعظین را تربیت کند؟ اولین جواب این سؤال این است که برای اعضای ساده کلاس مخصوصی دایر شود. شبان می‌تواند هفته‌ای یک شب را برای تعلیم واعظین غیر رسمی اختصاص بدهد. او می‌تواند رشته معینی را از قبیل بشارت انفرادی به آنها تعلیم بدهد. ممکن است درباره وعظ و طرز تهیه رؤس مطالب یک موعظه ساده بشارتی تعلیماتی به آنها بدهند. او باید درباره مطالب روحانی تعلیمات دقیقی به آنها بدهد تا از تعلیمات مسیحی اطلاع کافی داشته باشند. از همه بالاتر او باید آنها را تعلیم دهد که چگونه تازه‌ایمانان خود را تعلیم دهند. او درمورد حاضر کردن تازه‌ایمانان برای تعمید تعلیمات لازم را به واعظین غیر رسمی خواهد داد و نیز نکات مهم تعلیمات و رفتار مسیحی را با آنان مرور خواهد کرد تا کسانی که به وسیله آنها ایمان می‌آورند اساس محکمی بر پایه کلام خدا داشته باشند.

این امر حائز اهمیت زیادی است. جای تأسف است که گرچه بعضی واعظین بر فنون موعظه تسلط کامل دارند، اما با اصول ساده و ضروری بنیان‌گذاری کلیسا آشنایی ندارند. آنها واعظین با روح می‌باشند، ولی نمی‌توانند تازه‌ایمانی را به طرز صحیح آماده تعمید نمایند! پیشنهاد می‌کنیم که شبان از کمک سایر شبانان میسیونری که در دسترس او باشد به منظور دادن تعلیمات و دروس مختصری به واعظین غیر رسمی در کلیسایش استفاده کند. در مناطق روستایی باید این کلاس‌ها در آن قسمت از سال تشکیل شود که مردان از وظایف کشاورزی خود آزادند. معمولاً خوب است که دو یا سه نفر در کار تشریک مساعی کنند. ممکن است این دوره کوتاه به مدت دو تا سه هفته باشد. در این دروس حقایقی که در کلاس‌های شبانه تدریس شده است مورد تأکید قرار خواهد گرفت. شاید بتوان تعلیماتی درباره مدرسه یکشنبه (کانون شادی) نیز اضافه کرد. در عین حال گروه واعظین غیر رسمی می‌توانند در نواحی اطراف به کار پخش ادبیات مسیحی و بشارت انفرادی نیز مشغول شوند. شاید لازم شود که جلسات شبانه بیشتر جنبه بشارتی داشته باشند. غالباً امکان دارد که شبان توجه سایر کلیساهای همجوار را نیز جلب کند تا در چنین کاری با وی متحد شوند و واعظین غیر رسمی خود را به کلاس مزبور بفرستند.

برای کمک به پرداخت هزینه خوراک جهت شرکت در کلاس هر محصلی می‌تواند مقداری غلات یا مقدار کمی پول نقد بیاورد. کلیساهایی که اقدام به تشکیل چنین کلاس‌هایی نموده‌اند برکات بزرگی عایدشان گردیده است. وقتی که واعظ غیر رسمی پیشرفت کرد هیچ چیز از این بهتر نیست که برای دو تا سه سال به آموزشگاه کتاب مقدس برود. بدیهی است که واعظ بدون تعلیم کافی از آموزشگاه کتاب مقدس نیز ممکن است پیشرفت نکند، ولی با استفاده از

معلمین باتجربه سریع تر یاد می گیرند و دچار اشتباهات زیادی نیز نخواهند شد. به تجربه ثابت شده که به جای ادامه تحصیل برای مدت سه سال متوالی بدون اینکه محصل فرصتی برای کار عملی داشته باشد بهتر است آموزشگاه را بطور متناوب ترک کرده و برای مدتی مشغول خدمت شود. وقتی محصل آنچه را که فرا گرفته است به کار بیندازد تجربیات گران‌بهایی بدست خواهد آورد. این امر علاقه مطالعات جدیدی را در وی ایجاد کرده و او را با مسایلی رو به رو می‌سازد که شخصا قادر به حل آنها نمی‌باشد. بنابراین وقتی به آموزشگاه برمی‌گردد با شوق و علاقه جدیدی به تحصیل می‌پردازد و از تحصیلات خود بهره بیشتری خواهد گرفت.

مبشرین بومی

کار مبشرین بومی یکی از قسمت‌های مهم توسعه خود به خود را تشکیل می‌دهد. مبشر واقعی از طرف خدا برای نجات جان‌ها خوانده شده است. او ممکن است گاهی در کلیساهای موجود به منظور تشویق اعضای کلیسا و صید کردن دیگران جلساتی ترتیب دهد، ولی باید به خاطر داشت که کار اصلی او در جاهای تازه است. فیلیپس مبشر که به سامره رفت و قومی را برای خدا صید کرد، نمونه خوبی است از طرز کار یک نفر مبشر. هدف نباید فقط آوردن مردم به توبه باشد، بلکه تأسیس کلیسا. کار غلطی است که مبشر برود و عده‌ای را به توبه بیاورد، ولی آنها را بدون شبان بگذارد تا از فقدان خوراک روحانی بمیرند یا به دست گران درنده‌ای که همیشه حاضرند، پراکنده شوند، برای انجام این کار مهم ذیلاً چند طریقه پیشنهاد می‌کنیم: عده‌ای از مبشرین زمینه تأسیس کلیسا را نخست با بشارت انفرادی و توزیع ادبیات و نشریات مسیحی از خانه به خانه آماده می‌کنند. آنها حس می‌کنند که قبل از شروع جلسات عمومی لازم است دوستانی پیدا کرده و اعتماد مردم را نسبت به خود جلب نمایند. این موضوع مخصوصاً در مورد جایی صدق می‌کند که مردم به واسطه تعصب مذهبی نسبت به پیغام انجیل ابراز خصومت و دشمنی می‌کنند باید به خاطر داشت که همیشه لازم نیست برای شروع جلسات از ساختمان کلیسا یا سالن استفاده کنیم. در واقع به تجربه ثابت شده است که غالباً بهتر است جلسات موعظه در خانه‌های اشخاص یا در صورت امکان در هوای آزاد شروع شود. بعضی‌ها با شروع جلسات در هوای آزاد نتایج بسیار خوبی بدست آورده‌اند. آنها قطعه زمین بزرگی را در یک محل مناسب پیدا کرده و با نصب چراغ و بلندگو و اعلان جلسات کار را شروع می‌کنند، در بعضی موارد حتی صندلی برای نشستن تهیه نکرده‌اند، با این وجود دیده‌ایم که چگونه مردم ساعت‌ها برای گوش دادن به کلام خدا سرپا ایستاده‌اند.

اینگونه جلسات مزیت‌های بسیار دارد به شرطی که مبشر استطاعت و قابلیت تشکیل آنها را داشته باشد. یکی از محاسن این نوع جلسات این است که کسانی که به علت تعصب اجتماعی یا مذهبی حاضر نیستند داخل کلیسا بشوند. در هوای آزاد گوش خواهند داد. به علاوه، خود تازه‌ایمانان نیز به زودی متوجه احتیاج به یک ساختمان برای محل اجتماع خواهند شد و حاضر می‌شوند که در تهیه یک محل دائمی برای جلسات مسؤولیت بیشتری قبول کنند، بدین طریق بنیان کار خودپرداز از همان ابتدا گذاشته می‌شود. نویسنده چندین کلیسا را می‌شناسد که با این روش تأسیس شده‌اند. ممکن است خدا مبشر بومی را هدایت کند که یک روش منحصر به فردی را جهت رسانیدن بشارت به شهرهای اطراف اتخاذ کند. یکی از روش‌های قابل توجه توسط مبشرین آفریقایی ابداع گردیده است. برای تهیه نقشه جلسات بشارتی مبشرین مانند ارتش با دقت و استراتژی جلو می‌روند.

آنها کوشش خود را متوجه مراکز پرجمعیت و شهرهایی که رؤسای معروف دارند می‌نمایند. به تجربه برای آنها ثابت شده است که وقتی کار خدا در چنین مراکزی شروع شد در شهرهای کوچکتر شروع کار بشارت انجیل آسانتر است. پس از دعا مبشر با همکارانش تصمیم می‌گیرند که کدام شهر را برای مسیح فتح نمایند. قبل از شروع کار عده‌ای در حدود سی نفر از روحانی‌ترین اعضای کلیسای مرکزی تا سه شبانه‌روز به دعا و روزه می‌پردازد تا حس کنند که وقت رسیده است. سپس مبشر به اتفاق گروهی از واعظین پر از روح‌القدس از کلیسای مرکزی به سوی شهر مورد نظر حرکت می‌کند. به امید اینکه آن را جهت خداوند فتح خواهند نمود و در آنجا مقدمات لازم را برای تشکیل یک جلسه در هوای آزاد در روز یکشنبه تهیه می‌بینند. صبح روز یکشنبه مسیحیان از کلیساهای مجاور با اتومبیل‌های باری که برای همین مقصود کرایه کرده‌اند به سوی شهر مزبور حرکت می‌کنند. آنها با گروههایی که از صدها نفر تشکیل شده است در حال خواندن سرودهای روحانی وارد می‌شوند. بدیهی است که وقتی همه مسیحیان دور هم جمع شده و سرود بخوانند جمعیت بزرگی دور آنها گرد می‌آید. یک نفر میسیونر که شخصا شاهد یکی از این جلسات بوده اینطور تعریف می‌کند: «دو سه سرود به زبان محلی خوانده شد. سپس مبشر خطاب به رئیس شهر گفت که اجازه می‌خواهد که عده‌ای از مردان و زنان شهادت بدهند که چگونه از گناه و مرض نجات یافته‌اند. بدین وسیله می‌خواست

ثابت کند که عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.

شهادت‌ها بت پرستان را ملزم می‌کند

مسیسونه می‌گفت: «وقتی مبشر از مردم شهادت خواست فوراً عده‌ای حاضر شدند. اولین نفر تا آنجا که به یاد دارم، مردی بود که قبلاً با جادوگری طبابت می‌کرد. وی تعریف کرد که در طی اجرای مراسم شغل خودش چگونه باعث مرگ عده زیادی شده بود. او غالباً دچار قدرت دیوها گشته و ارواح شریر اذیتش می‌کردند. یک روز مسیحیان به شهر او می‌آیند در وحله اول با آنها به مخالفت برخاسته و حتی سعی می‌کند که با جادوگری آنها را بکشد، ولی به علت وجود روح خدا در زندگی آنان نمی‌تواند صدمه‌ای به آنها بزند. سپس نسبت به گناه ملزم شده و گناهان خود را به خدا اعتراف می‌کند. آنگاه خدا با کرامت خویش او را از قدرت شیطان آزاد و از مرض شفا داده و از روح القدس پر می‌کند. او به رئیس شهر و مردم گفت که آنچه خدا برای وی کرده است می‌تواند برای هر کسی انجام دهد.»

«نفر دوم که شهادت داد زنی بود که از جریان خون شفا یافته بود. این زن مدت نه سال از این مرض کراهت آور رنج می‌برد و هر چه خود و خانواده‌اش داشتند صرف معالجه خویش نموده بود، ولی به جای اینکه بهبودی حاصل کند بدتر می‌شد. از کمر به پایین فلج شده و خود را روی زمین می‌کشید. او نیز سرگذشت عجیب عیسی را شنید و از قدرت وی اطلاع حاصل کرد. برایش دعا کردند و خدا فوراً او را شفا بخشید. بعداً خدا یک بچه قشنگی به او داد. برای یک نفر آفریقایی دلیلی بزرگتر از این درمورد شفا نمی‌شود آورد.» «مرد دیگری جلو آمد و خطاب به رئیس شهر گفت که چگونه خدا او را از مستی نجات داده است. به دنبال او زنی آمد و شهادت داد که چگونه خدا او را از دیوانگی نجات داده است. او مانند دیوانه جدریان در قبرها بسر می‌برد، ولی خدا وی را شفا داده و به خانواده خودش برگردانده بود. علاوه بر شهادت‌های قوی عده دیگری از مردان و زنان به نوبت شهادت دادند. شهادت‌ها با قدرت داده می‌شدند. در حالی که این اشخاص درباره قدرت معجزه‌آسای خدا شهادت می‌دادند رئیس شهر و تمام اهالی به آنها خیره شده بودند.

جمع آوری محصول شروع می‌شود

«مبشر پیغام کوتاهی داد و سپس تقاضا کرد همه کسانی که می‌خواهند همین مسیح را که این اشخاص یافته‌اند بشناسند جلو بیایند، در مدت کوتاهی بیش از چهل نفر جلو رفتند و در مرکز حلقه ایستادند تا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود قبول کنند. از جمله کسانی که جلو آمدند ملکه مادر بود که به خاطر پذیرفتن مسیح از مقام خود دست کشید. برادر رئیس شهر به اتفاق عده زیادی از شخصیت‌های برجسته شهر نیز جلو آمدند. از کسانی که جلو آمدند تقاضا شد که زانو بزنند مسیحیان متحداً سرگرم دعا شدند در حالی که مبشر با حق‌جویان صحبت می‌کرد و برای مریضان نیز دعا کردیم. شنیدن آنها همه دعاهایی که به سوی آسمان بالا می‌رفت و مشاهده صورت‌های بت پرستان که با نور شادی نجات روشن می‌شد چقدر دلپذیر و عالی بود. نزدیک ظهر بود که شهر را ترک کردیم ولی مبشر به اتفاق همکارانش برای یکی دو روز دیگر آنجا ماندند تا به عده زیادتری از مردم فرصت دهند تا خداوند را بپذیرند.

کلیسای جدیدی تشکیل می‌شود

دو روز بعد مبشر به محل میسیون مراجعت کرد. او گزارش داد که مردم مرتباً از پرستش جادو دست می‌کشیدند و به خدا ایمان می‌آوردند. یکصد و شصت و شش نفر اشخاص بالغ، علاوه بر تعداد زیادی جوان، نجات یافته و دعا می‌کردند که با روح القدس پر شوند. لازم بود که فوراً ساختمان یک کلیسا شروع شود. ما پرسیدیم: برای پیشرفت روحانی این تازه‌ایمانان چه اقدامی شده است؟ او جواب داد: من عده‌ای از مردان برجسته را که نجات یافته‌اند، از قبیل برادر رئیس شهر و رئیس پست، مأمور کرده‌ام که هر روز مردان را برای پرستش و دعا جهت تعمید روح القدس جمع کنند. همچنین به زنان برجسته شهر که نجات یافته‌اند مأموریت داده‌ام که زنان را برای دعا و سرود و خواندن کتاب مقدس دور هم جمع کنند، مسیحیان قدیم‌تری که در شهرهای مجاور بودند برای تعلیم این تازه‌ایمانان تعیین شده بودند. مبشر نیز شخصا در نظر داشت مرتباً به آن شهر سرکشی کند. سایر مبشرین آفریقایی نیز تقریباً همان روش فوق را در پیش گرفته‌اند و موفقیت بدست می‌آورند. وقتی عده زیادی در جلسات عمومی نجات می‌یابند، بایستی از طرف واعظین ترتیبات دقیقی داده شود و کار بطور منظم دنبال شود، در غیر این صورت مقدار زیادی از محصول از دست خواهد رفت. وقتی عده زیادی از مردم مسیح را می‌پذیرند، لازم است که اسامی و آدرس تازه‌ایمانان یا علاقه‌مندان نوشته شود تا بتوان به فرد فرد آنها رسیدگی کرد. شاید بهترین روش این باشد که در بین مردم

کارت‌هایی توزیع شود تا علاقه‌مندان اسم و آدرس خود را بنویسند. طبیعی است که در چنین جلساتی انتظار می‌رود که عده کافی مسیحیان باتجربه باشند که در این امر کمک بکنند. در غیر این صورت بایستی ترتیبی داد که عده‌ای از شهرهای مجاور بیایند و کمک کنند. کافی نیست که مردم در جلسات عمومی بزرگ موقعی که به هیجان آمده‌اند دست خود را به علامت توبه بلند کنند این اشخاص علاقه‌مند را باید از سایرین جدا کرد و کلاس‌هایی را برای آنان ترتیب داد که هر روز تعلیم خصوصی بگیرند.

اگر جلسات بشارتی در ناحیه بزرگی اثر کرده باشد بایستی معلمین مدرسه یکشنبه شماسان واعظین غیر رسمی و مسیحیان نیز به کار گمارده شوند. کلیسایی را می‌شناسم که در چنین جلسات بیداری روحانی تمام شهرها و حومه را به مناطق مختلف تقسیم کرد و برای هر منطقه یک نفر عضو کلیسا از قبیل معلم مدرسه یکشنبه یا شماس، تعیین کرد تا جهت علاقه‌مندان و تازه‌ایمانان کلاس‌هایی شبیه مدرسه یکشنبه تشکیل دهد. نتیجه این شد که سیزده شعبه تشکیل و در ظرف یک سال در حدود شش تا از شعبه‌ها به صورت جماعت‌های تازه‌ای درآمدند. در چنین مواقع دادن تعلیمات صحیح از کتاب مقدس به تازه‌ایمانان دارای اهمیت فوق‌العاده است (اصول ایمان و مشارکت را در صفحه‌های آینده ملاحظه کنید). سر زدن به این تازه‌ایمانان در خانه‌های خودشان دارای اهمیت زیادی است. باید از هر مسیحی برای این مقصود استفاده کرد. اینگونه بیداری‌ها فصل محصول برداری خداست که کلیسا به خاطر آن زحمت کشیده است و کوشش و جدیت فوق‌العاده لازم است تا قبل از اینکه محصول تلف شود آن را بدروند (متمم ب را ملاحظه کنید). در تمام این امور باید به یاد داشت که اصل مهم توسعه کار مسیح فعالیت روح‌القدس است. روح‌القدس گناهکاران را نسبت به گناه ملزم ساخته و برای درو مزارع سفید شده کارگر می‌فرستد، ما فقط وقتی می‌توانیم کار کنیم که او کار کند، بنابراین ایجاد و نگاه داشتن یک محیط روحانی دعا، در موفقیت چنین برنامه‌ای بی‌نهایت مهم است.

سوالات

- ۱ - چه کسانی مسؤولند که برای مسیح افراد را صید کنند؟
- ۲ - شبان برای تشکیل شعبات چه قدم‌هایی را باید بردارد؟
- ۳ - چه کسی باید شبان را در این کار کمک کند؟
- ۴ - واعظ غیر رسمی در مقابل چه کسی مسؤول است؟
- ۵ - تازه‌ایمانان را در یک شعبه چگونه باید برای تعمید حاضر کرد؟
- ۶ - برای دادن تعلیمات مخصوص به واعظین غیر رسمی محلی چه ترتیباتی باید داده شود؟
- ۷ - مزایا و فواید تحصیل در مدرسه کتاب مقدس در زندگی واعظین جدید چیست؟
- ۸ - خدمت مبشر چیست؟
- ۹ - مبشر چگونه می‌تواند کار خود را در یک محل تازه شروع کند؟
- ۱۰ - مزایای شروع کار را در هوای آزاد شرح دهید.
- ۱۱ - لزوم دنبال کردن کار را بعد از تشکیل یک رشته جلسات بزرگ بیان کنید.
- ۱۲ - برای تعلیم تازه‌ایمانان چه اقدامی باید به عمل بیاید؟

قبلا گفتیم که سه اصل اساسی یک کلیسای قومی بومی عبارتند از: توسعه خود به خود، خودمختاری و خودپردازی. اصل خودمختاری از هر حیث برای کلیسا اهمیت حیاتی دارد. بنابراین بایستی از ابتدا هدف را در مد نظر داشت. نخست خودمختاری را در محل مورد توجه قرار می‌دهیم. نویسنده این کتاب معتقد است که قبل از به وجود آمدن کلیساهای محلی و متشکل اشتباه خواهد بود اگر چنانچه کوشش نماییم که از آنها یک سازمان یا اتحادیه کشوری تشکیل بدهیم. باید از اول شروع کرد و قدم اول همانا ایجاد کلیسای محلی می‌باشد. کلیساهای نخستین چنانکه از اعمال رسولان ۶: ۱ - ۶ برمی‌آید، سال‌ها قبل از اینکه به صورت یک سازمان متحد در آیند به صورت کلیساهای محلی متشکل شده بودند. از اینجا نتیجه می‌گیریم که سازمان کلیسای محلی پایه و اساس اداره کلیساست. نباید کلیسای محلی را کم اهمیت فرض کرد. کلیسای محلی نماینده نیروی واقعی کار بشارت است. اگر کلیساهای متشکل و منظم و فعال محلی داشته باشیم، آنگاه کار مؤثری انجام خواهیم داد. بدون کلیساهای محلی قوی، اگرچه صدها نفر توبه کنند، نمی‌توان گفت که کلیسایی وجود دارد. در این صورت عده زیادی افراد ایماندار خواهیم داشت، ولی نه کلیسا. ایجاد تشکیلات منظم در کلیسای محلی به تازه‌ایمانان حس مسؤولیت می‌دهد. آنها وقتی مسیح را می‌پذیرند متوجه می‌شوند که با خدا رابطه تازه‌ای پیدا کرده‌اند. هنگامی که کلیسا به وجود می‌آید این تازه‌ایمانان متوجه می‌شوند که با سایر ایمانداران که آنان نیز اعضای بدن مسیح‌اند، رابطه تازه‌ای پیدا کرده‌اند. اینگونه حس مسؤولیت اتحاد و غیرت را به وجود می‌آورد و خود لازمه روح فداکاری در بین جماعت است که برای حصول خودپردازی ضرورت دارد. پس کلیسای محلی را چگونه تشکیل بدهیم؟

اساس همکاری در یک کلیسای محلی

برای تشکیل یک کلیسا لازم است که اساسی جهت همکاری وجود داشته باشد، به عبارت دیگر بایستی درباره تعلیم، هدف و روش‌های کار توافقی موجود باشد. عاموس نبی می‌پرسد؟ «آیا دو نفر با هم راه می‌روند جز آنکه متفق شده باشند؟» (عاموس ۳: ۳). غیرممکن است که یک گروه از مسیحیان با اتحاد، تفاهم و یک هدف با هم راه بروند جز آنکه یک نوع توافق داشته باشند. حتی گروه‌هایی که می‌گویند که به اساسنامه و قوانین نوشته اعتقاد ندارند و فاقد فهرست اسامی اعضای کلیسا و انتخابات می‌باشند، آنان یک نوع تفاهم و توافق شفاهی دارند که بر طبق آن کارهای خود را انجام می‌دهند. آنها می‌دانند که چه کسی صاحب قدرت است و نیز اعتقادات و روش‌های عمل نوشته نشده دسته خود را می‌فهمند. اگر بگوییم که روح‌القدس هادی ماست موضوع را زیاده از حد ساده می‌کنیم، زیرا بایستی راهی باشد که بتوان تشخیص داد که چه وقت شخص از طرف روح‌القدس هدایت شده است. حتی کافی نیست که بگوییم کتاب مقدس اعتقادنامه و راهنمای ماست، زیرا عده زیادی هستند که ادعای پیروی کتاب مقدس را دارند در حالی که تعلیمات و کارهای آنها را نمی‌توان صحیح پنداشت. در حالی که لازم باشد که از عقیده هر یک از ایمانداران پیروی کرد و قوانینی نباشد که از روی آنها بتوان مطابقت تعلیم و اعمال را با کتاب مقدس سنجید، نتیجه‌اش اغتشاش و پریشانی هولناکی خواهد بود.

برای تشکیل یک کلیسا بایستی تازه‌ایمانان را از روی کلام خدا و با روح مسیحی تعلیم داد تا برسند به جایی که با ایمان بگویند: «ایمان و هدف ما این است!» درمورد اساس ایمان و عمل مسیحی بایستی موافقت و سازش کامل برقرار باشد. پولس ایمانداران قرن‌تس را نصیحت کرد، «که همه یک سخن گویند و شقاق در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید» (اول قرنتیان ۱: ۱۰). بایستی ایمانداران درمورد تعلیمات اساسی با هم متفق باشند تا همه «یک سخن بگویند» و نیز بایستی درباره طرز رفتار مسیحی یک نوع عقیده داشته باشند تا «در یک رأی کامل شوند». ایمانداران درباره نجات، گناه، مجازات آینده، ظهور ثانوی مسیح، کمک به کلیسا و بسیاری از تعلیمات اساسی دیگر باید دارای تعلیم واحد و فکر متحد باشند. آنها باید درمورد رابطه مسیحیان حقیقی با مشروبات الکلی، کشیدن سیگار و تفریحات عامیانه از قبیل رقص، رفتن به سینما و تأثر و قمار یک رأی داشته باشند تا کلیسا بتواند شهادت پاک و روشنی به جهان بدهد. همچنین باید درمورد شرایط ازدواج قانونی که لازمه پذیرفته شدن به عضویت کلیسا است و نیز طرز رفتار با یک ایماندار که در گناه افتاده است یک فکر داشته باشد تا بتواند شهادت کلیسا را بی‌عیب نگه دارند. عیسی به شاگردان خود فرمود که بروند و همه امت‌ها را تعلیم دهند و ما بایستی کار بنا و تشکیل کلیسا

را با دادن تعلیم از کتاب مقدس شروع کنیم. در امریکای مرکزی کلیساهای ما این مشکل را با انتشار جزوهای تحت عنوان «اصول ایمان و مشارکت کلیساهای محلی» حل کردند. این اصول به عنوان اساس توافق و سازش و شرایط عضویت مورد استفاده قرار گرفته است و به طرز ساده و بر مبنای کتاب مقدس، تعلیمات عمده و مسؤولیت‌های کلیسایی را تشریح می‌نماید، (ترجمه اصول مزبور را در قسمت متمم این کتاب ملاحظه کنید).

عضویت

انتخاب اعضای مؤسس کلیسای محلی و در مرحله بعدی اضافه کردن اعضا موضوعی است که از طرف مبشر یا شبان و هیأت‌مدیره کلیسا بایستی مورد نهایت دقت نظر قرار گیرد و برای آن دعا بشود. وقتی یک مبشر کلیسای جدیدی را تشکیل می‌دهد طبعا می‌خواهد از هر طرف کمک بگیرد. ممکن است اشخاصی در اطراف کلیسا باشند که در شهر دیگری انجیل را شنیده‌اند و یا ممکن است دسته‌جاتی از اعضای ناراضی یک فرقه دیگر باشند که به عللی می‌خواهند به کلیسای جدید بپیوندند. ممکن است واعظ در معرض آزمایش قرار بگیرد که به علت احتیاج از هر کمکی که به وی داده شود استقبال نماید و اینگونه ایمانداران را بدون پرسش بپذیرد. اگر این کار را بکند یقینا در آینده کار او با شکست رو به رو خواهد شد. قبول اعضای ناراضی فرقه‌های دیگر نه فقط اخلاقا مسیحی‌وار نیست، بلکه موضوع گذاشتن پایه محکمی برای کلیسا آینده نیز مطرح می‌باشد. کسی که برای کندن پایه عمیق و بنای خانه بر روی سنگ وقت کافی صرف می‌کند اگرچه ممکن است کار ساختمان خانه‌اش قدری دیرتر از دیگران تمام شود، ولی چون سیلاب‌ها بیایند از پابرجا ماندن آن خرسند خواهد شد. نویسنده این کتاب نمی‌خواهد اختلافات فرقه‌ای را بزرگ نماید و یا فرزندان حقیقی خدا را از مشارکت و مصاحبت یکدیگر محروم کند، ولی باید متوجه لزوم توافق عمومی درباره تعلیم و عقاید باشیم تا بتوانیم با هماهنگی در کلیسا کار کنیم. ایماندارانی که از دسته‌جات دیگر نزد واعظ می‌آیند بایستی از نظر تعلیمات نادرستی که ممکن است داشته باشند به دقت مورد امتحان قرار گیرند. پذیرفتن اشخاصی که عقاید غلطی درباره مجازات آینده، شنبه (سبت) و غیره دارند، به عنوان اعضای کلیسا، به جای اینکه بنای کلیسا را قوی بسازد آن را ضعیف خواهد کرد.

در مورد کمک مالی به کلیسا نیز بایستی اعضا وظیفه خود را بطور واضح بفهمند. شاید اینگونه ایمانداران درباره دادن عشریه (ده یک) به کلیسا عقیده مخصوصی دارند و لزومی نمی‌بینند که کلیسا مخارج خود را تأمین کند و یا ممکن است کاملا معتقد و پایبند موازینی که کلیسا بایستی در حفظ آنها بکوشد نباشند. اگر این ایمانداران به عنوان اعضای فعال کلیسای جدیدالتأسیس پذیرفته شوند، وقتی که شبان شروع کند تعلیم و اصلاح اعضا مطابق تربیتی که خودش از کتاب مقدس می‌فهمد، نزاع و کشمکش واقعی در کلیسا به وجود خواهد آمد. چقدر ناراحت‌کننده خواهد بود وقتی شبان ببیند که یکی از اعضای که از طرف وی به عضویت کلیسا پذیرفته شده است اکنون نه فقط با او موافق نیست، بلکه در پشت پرده نیز بر ضد تعلیماتش مبارزه می‌کند. اینگونه اعضا به علت سابقه ممتدی که در مسیحیت داشته‌اند در اعضای جدید بطور قابل ملاحظه‌ای نفوذ خواهند داشت و اگر به اعضای جدید بگویند که لزومی ندارد با دادن عشریه و هدایا به کار خدا کمک کنند، کار و کوشش چندین ماهه شبان در مدت کوتاهی خنثی خواهد شد. اینگونه اعضا ممکن است در موقع مطرح کردن موضوع تنبیه اعضا نیز در جماعت ایمانداران به مخالفت برخیزند.

بنابراین بدون اینکه شبان کوتاه فکر یا متعصب باشد، ضروری است که سنگهای پایه کلیسای آینده خود را خوب بچینید. بعد از دادن تعلیم درباره حقایقی که او برای پیشرفت کلیسایش ضروری تشخیص می‌دهد، وی باید با هوشیاری فقط کسانی را به عنوان اعضا فعال بپذیرد که درباره اصولی که او تعلیم می‌دهد اتفاق و سازگاری کامل دارند بدیهی است که درباره اختلاف عقاید بر سر نکاتی که اساسی نمی‌باشد بایستی یک نوع تحمل و چشم‌پوشی باشد، اما در مورد تعلیم و امور اساسی بایستی بین اعضا توافق کامل برقرار باشد. کار عاقلانه نیست که شبان یا مبشر به تنهایی در مورد پذیرفتن اعضا تصمیم بگیرد. حتی قبل از تشکیل هیأت مشایخ و رهبران کلیسا او باید با ایماندارانی که رشد روحانی‌شان بیشتر است مشورت کند. کلیسا نباید منحصر به شبان باشد و عضویت نیز نباید تحت کنترل مطلق او باشد. کلیسا متعلق به همه ایمانداران است و آنها همه در آن سهمی دارند. نباید کلیسا را مجبور کرد که شخص تازه ایمانی را که صمیمی نمی‌دانند به عضویت قبول کنند و هنگامی که حکم تنبیه یک عضو گناهکار صادر می‌شود بایستی از طرف کلیسا باشد نه فقط از طرف شبان (متی ۱۸ : ۱۵-۱۷). برای تقویت حس اتحاد و مسؤولیت باید از کلیسا تقاضا کرد که موافقت خود را در مورد قبول اعضای تازه ایمان را به وسیله شبان و با همکاری دو یا سه نفر از روحانی‌ترین اعضا امتحان کرد. بعدا هنگامی که کلیسا تشکیل شد و هیأت‌مدیره انتخاب گردید طبعا وظایف فوق به

خودمختاری در عمل

پس از توافق در مورد تعلیم و روش‌ها و هدف‌هایی که جماعت از آنها پیروی خواهند نمود کلیسا با داشتن اعضای نام‌های آنان را در دفتر عضویت نوشته شده حاضر است خودمختاری خود را با اتخاذ تصمیمات و انجام انتخابات به مرحله عمل بگذارد. کلیسای محلی در دایره خودش خودمختار و مستقل است و تا زمانی که به حقوق کلیسای محلی دیگری زیان وارد نیاورد و یا از اصولی که مورد تصویب اتحادیه کلیساها (اتحادیه کشوری کلیسا) است تجاوز نکند می‌تواند از خودمختاری و استقلال خود استفاده کند (۱) جماعت خادمین خود را انتخاب می‌کند (اعمال رسولان ۶: ۱-۶) (۲) بنابراین خادمین هم در مقابل خدا و هم در برابر جماعتی که آنان را انتخاب کرده است مسؤولیت دارند.

حقوق و اختیارات خادمین کلیسا

دیدیم که کلیسای محلی باید خادمین خود را انتخاب کند. اکنون بگذارید روابطی را که باید بین شبان، شماسان (خادمین) و اعضا موجود باشد مورد بررسی قرار بدهیم. شبان کلیسای محلی سمتی دارد که منحصر به فرد و گاهی نیز مشکل است، زیرا او باید هم خدا را که وی را خوانده و شبان گله‌اش ساخته (اول پطرس ۵: ۱-۴) خدمت کند و هم جماعت را که وی را به عنوان شبان خود می‌شناسد. او یقیناً از طرف خدا دعوت شده است که این کار را انجام دهد و در عین حال از طرف مردم نیز خوانده شده است. او دو مسؤولیت دارد قبل از همه چیز او بایستی مرد خدا باشد، ولی نمی‌توان انکار کرد که اگر چنانچه جماعت با او موافق نباشد و اخلاقاً از او پشتیبانی نکند خدمتش بی‌تأثیر خواهد بود. مثلاً این موضوع را در زندگی موسی می‌بینیم که گرچه بلاشک از طرف خدا خوانده شده بود (خروج ۳: ۱۰)، ولی لازم بود که بنی‌اسرائیل او را به سمت رهبری خود قبول کنند تا بتواند آنها را رهبری کند (خروج ۳: ۱۶ و ۴: ۲۹-۳۱) شبان به واسطه سمتی که دارد رهبر روحانی کلیسا می‌باشد و مسؤولیت اصلی بهبود وضع کلیسا بر دوش او است (عبرانیان ۱۳: ۱۷). به علاوه او رهبر هیأت‌مدیره است. هیأت‌مدیره نباید خیال کند که حق دارد مستقلاً بدون دخالت شبان کاری انجام بدهد. هیأت‌مدیره حق ندارد جلسات مخفیانه ترتیب و بدون اطلاع شبان به امور کلیسا بپردازد. از سوی دیگر قدرت شبان نامحدود نمی‌باشد. پطرس رسول شبانان را نصیحت می‌کند که خود را خداوندان میراث نپندارند. شبان خادم کلیسا و نمونه و سرمشق ایمانداران است.

نظر به اینکه کلیسا نمایندگان رسمی خود را انتخاب می‌نماید تا با شبان درباره کارهای کلیسایی مشورت کنند شبان نباید با سر باز زدن از توجه به حقوق حقه نمایندگان مزبور جماعت اعضا را گول بزند. شبان حق ندارد که فقط به مسؤولیت خودش در دفتر عضویت اسامی تازه‌ای وارد و یا بعضی اسامی را خارج کند. به عبارت دیگر او نباید در رهبری روحانی خودش دیکتاتور باشد، بلکه باید جد و جهد کند تا بین اعضا کلیسا هماهنگی و همکاری ایجاد نماید. در ایجاد روابط حسنه فوق شبان باید قدم اول را شخصاً بردارد. برای رسیدگی به کارهای کلیسایی باید هیأت‌مدیره جلسات ماهیانه تشکیل بدهد. پذیرفتن اعضای جدید و انضباط اعضای که ممکن است از راه منحرف شده باشند باید جزو کارهای جاری جلسات هیأت‌مدیره باشد. حتی موقعی که ظاهراً همه چیز در کلیسا مرتب به نظر می‌آید شبان نباید از تشکیل اینگونه جلسات خودداری کند. غالباً اعضا هیأت‌مدیره از مشکلاتی با خبر خواهند بود که شبان اطلاعی از آن ندارد. شبان باید به نمایندگان کلیسا (مشایخ و شماسان) اجازه بدهد که مسایل را ارائه و عقاید خود را بیان کنند. تصمیم نهایی نباید تنها توسط شبان یا یکی از اعضای هیأت‌مدیره اتخاذ شود، بلکه باید با دادن رأی باشد. اگرچه معمولاً اکثریت حاکم است با این وجود در مورد هر موضوع مهمی شبان باید کوشش نماید تا در بین اعضای هیأت‌مدیره اتفاق آرای برقرار باشد. اگر چنانچه شبان می‌بیند که در بین اعضای هیأت‌مدیره اختلاف آرای و عدم توافق هست غالباً بهتر است که تصمیم نهایی به تعویق انداخته شود تا وقت کافی برای کسب اطلاعات بیشتر و طلب هدایت خدا موجود باشد.

اتخاذ تصمیمات عجولانه یا به زور قبولاندن یک موضوع در اداره کلیسا مشکلات عمیقی به وجود خواهد آورد. اگرچه کارهای مهمی نباشد که در هیأت‌مدیره مورد بحث قرار بگیرد باید جلسه تشکیل و وقت صرف دعا کردن بشود. هیچ چیز به اندازه جمع شدن دور یکدیگر به منظور بحث درباره مشکلات و دعا کردن با هم برای پیشرفت کار خدا در تحکیم اتحاد بین رهبران کلیسا مؤثر نمی‌باشد. خوشا به حال آن شبانی که این درس را یاد گرفته و می‌داند که چگونه با هماهنگی با هیأت‌مدیره خود کار کند. نخستین شماسان در درجه اول برای کمک به رسولان و برداشتن بار

کارهای دنیوی از دوش آنان انتخاب شدند (اعمال رسولان ۶: ۱-۶). شماسان از طرف کلیسا انتخاب می‌شوند از این جهت آنان نمایندگان کلیسا می‌باشند. معمولاً در کلیساهای ما شماسان به عنوان مشاورین شبان که رهبر روحانی کلیسا است انجام وظیفه می‌کنند. شماسان نباید خود را نسبت به شبان مستقل بدانند، بلکه بایستی روح همکاری داشته و در کار کلیسایی فعال باشند. چقدر باعث تأسف خواهد بود که خادمینی باشند که وظایف معینی به عهده آنان گذاشته شده باشد، ولی از انجام آنها خودداری کنند. عضوی که به علت کثرت کار نتواند در جلسات هیأت مدیره حاضر بشود یا میل نداشته باشد که حاضر شود برای سمت شماسی لیاقت ندارد. بهتر است چنین شخصی از مقام خودش استعفا و جای خود را به دیگری واگذار کند که مایل است وظایف آن مقام را انجام دهد.

در غیر این صورت او نه خودش کار را انجام می‌دهد و نه می‌گذارد دیگری آنرا انجام دهد. در بسیاری از کلیساهای ما شماسان خدمت روحانی را همراه با رسیدگی به احتیاجات جسمانی کلیسا انجام می‌دهند. در کتاب مقدس نیز در این باره نمونه‌ای هست. استیفان و فیلیپس که به عنوان شماسان انتخاب شده بودند بعداً به خدمت روحانی پرداختند. شماسان ما معمولاً به عنوان عضو کمیته انضباط اعضای کلیسا خدمت می‌کنند و در بسیاری از موارد شبان را در موعظه کلام خدا و توجه از شیعات کلیسا کمک می‌نمایند. شاید هنگامی که شماسان در کلیسا دارای یک چنین خدمت روحانی باشند کارشان با کار مشایخ (کشیشان) در عهد جدید برابر می‌شود. مخصوصاً در انتخابات نخستین کلیسا ممکن است محتاج راهنمایی باشد. مدیر جلسه باید از روی کتاب مقدس شرایط مقام شماسی را شرح بدهد، چون مسلم است که یک کلیسای نورسته غالباً اشخاص را با توجه به خصوصیات شخصی انتخاب می‌کند نه از روی خصوصیات روحانی آنها بنابراین صلاح این است که یک کمیته نامزدی انتخاب شود تا مدیر جلسه شرایط انتخاب شوندگان را بطور واضح برای اعضای آن شرح دهد و درمورد برادرانی که برای انتخاب نامزد شده‌اند تحقیقات لازم را به عمل بیاورد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که کلیسا یک کمیته نامزدی انتخاب کند تا کاندیدها را جهت انتخاب به کلیسا معرفی کند. تعداد کاندیدهایی که معرفی می‌شود باید از تعدادی که لازم است بیشتر باشد تا کلیسا بتواند اشخاص مورد نظر را از بین آنان انتخاب نماید. به علاوه خوب است که مدیر جلسه و کمیته نامزدی شرایط و مشخصات مقام مورد نظر را برای هر یک از کاندیدها توضیح بدهد. تا اگر چنانچه کاندیدا شرایط لازم را در خود ندید فرصت کناره‌گیری داشته باشد. هیأت مدیره (مشایخ و شماسان) کلیسا نباید به عنوان کمیته نامزدی انتخاب شود، زیرا در این صورت ممکن است اعضای خود را مجدداً انتخاب نماید. بهتر است که جماعت قانونی بگذارند که یک عضو هیأت مدیره نتواند بیشتر از سه سال متوالی در مقام خود بماند مگر اینکه یک سال از مقام خود برکنار باشد. این کار به سایر برادران نیز فرصت می‌دهد که استعداد رهبری خود را پرورش بدهند.

انضباط اعضا

خودمختاری متضمن مسؤولیت‌های خطیری است. کلیسایی که کوشش می‌کند که امور خود را مطابق نمونه‌ایی که در عهد جدید یافت می‌شود اداره کند طبعاً مسؤول است که در جمعیت ایمانداران نظم و ترتیب و قوانین کتاب مقدس را برقرار کند. شاید یکی از مشکل‌ترین جنبه‌های خودمختاری انضباط اعضا باشد. در این خصوص نصایحی در کتاب مقدس موجود است. (متی ۱۸: ۱۵-۱۷ و غلاطیان ۶: ۱ و رومیان ۱۶: ۱۷ و اول قرن‌تین ۵ و دوم تسالونیکیان ۳: ۶ و تیطس ۳: ۱۰ و ۱۱) را ملاحظه کنید. وظیفه کلیسا است که با هوشیاری از جان اعضا مواظبت نماید. نخستین مسؤولیت در این مورد به عهده شبان و هیأت مدیره است. وقتی معلوم شد که یکی از اعضا با رفتار غیرمسیحیایی خود باعث ننگ نام کلیسا شده است شبان و هیأت مدیره مسؤولند که قضیه را بررسی کرده و اقدام لازم را به عمل آورند. طبعاً اغلب ما نمی‌خواهیم تقصیرهای کسی را جلوی چشم بگذاریم، زیرا هرگز مطمئن نیستیم که چه نوع عکس‌العملی از خود بروز خواهد داد به علاوه غالباً می‌دانیم که ممکن است در اعضا دیگر کلیسا اثر نامطلوبی بگذارد به همین علت بعضی از شبانان به دعا پناه می‌برند و فکر می‌کنند که بهتر است به خدا توکل کنند تا او این مسأله را حل کند. آنها حس می‌کنند که باید با محبت باشند و درمورد شخص خاصی اقدامی نکنند. دعا مهم است، ولی کاری که مستلزم اقدام است معمولاً فقط به وسیله دعا حل نخواهد شد. پولس اینگونه مسایل را فقط با دعا حل نمی‌کرد او هم دعا می‌کرد و هم قدم برمی‌داشت. ما نباید نسبت به کسانی که به خدا گناه ورزیده‌اند غیر از احساسات محبت‌آمیز چیز دیگری داشته باشیم.

تنبیه یک بچه نامطیع از طرف والدین نشانه بی‌مهری نیست، بلکه برعکس نشانه محبت می‌باشد. همچنین در کلیسا اگر در موقع لزوم از نصیحت و تنبیه شدید خودداری کرده و بگذاریم که یک فرد گناهکار شهادت و نام کلیسا و

سلامتی روحانی خودش را خراب کند این نه نشانه محبت نسبت به خداست و نه نسبت به شخص گناهکار. اگر شبانی فقط به علت نامطلوب بودن وظیفه‌ای از انجام آن خودداری کند وی شایسته دعوت بلند خویش نمی‌باشد. اگر به طرز شایسته عمل نکنیم شهادت انجیل به تعویق می‌افتد. مردم عقیده دارند که گرچه درباره زندگی مقدس وعظ می‌کنیم، ولی از گناه چشم‌پوشی می‌نماییم و از آنها بهتر نیستیم، بنابراین به خاطر کلیسا و سلامت روحانی شخص خاطی و به خاطر جان اشخاص نجات نیافته که به ما چشم دوخته‌اند بایستی این مسؤولیت سنگین را انجام دهیم. بیایید با دعا و ترس و لرز و با محبت آن را انجام دهیم. بیایید رحم داشته باشیم تا بر ما نیز رحم شود، ولی هنگامی که منافع ملکوت خدا تقاضا می‌نماید بگذارید اقدام کنیم! وقتی شایع شد که یکی از اعضا در گناه افتاده است نخست باید شبان از متهم تحقیقات لازم را به عمل آورد و در صورتی که موضوع حل نشد باید هیأت‌مدیره کلیسا را برای رسیدگی جمع کند (متی ۱۸ : ۱۵ - ۱۷ را ملاحظه کنید). گناهکار باید شخصا در جلسه حاضر باشد. هرگاه تقصیر خود را انکار کرد بایستی به وی فرصت داد تا بی‌گناهی خود را ثابت کند و نباید او را مقصر دانست مگر اینکه دلایل روشن و شواهد امین مقصر بودنش را ثابت کنند.

اگر تقصیر او ثابت شد باید با در نظر گرفتن اهمیت تقصیرش با وی رفتار شود. اگر گناه او تاثیر زیادی در نام و شهادت کلیسا نداشته باشد و شخص گناهکار روح فروتنی و توبه نشان داد باید او را بخشید و نصیحت و اصلاح نمود. شاید در چنین موردی اقدام شدیدتری لازم نباشد. وقتی که گناه باعث بدنامی کلیسا در نظر مردم بشود چنانکه مستی یا فساد اخلاق این نتیجه را دارد آنگاه باید شخص گناهکار را نصیحت کنند. اگر روح توبه نشان داد باید هیأت‌مدیره مدتی را تعیین کنند که در طی آن صمیمیت توبه خود را ثابت و اعتماد از دست رفته‌اش را در بین برادران از سر نو بدست بیاورد. در طی مدتی که عضو خطاکار تحت انضباط قرار دارد نباید به وی اجازه داد که در هیچ یک از خدمات عمومی رسماً شرکت نماید و نیز ممکن است وی را از سایر امتیازاتی که مخصوص اعضا فعال است محروم کرد. برای اینکه این تصمیم مؤثر واقع شود باید آن را در کلیسا و در حضور همه اعضا اعلام کرد تا آنها از موضوع باخبر شده و برای شخص خطاکار دعا کنند و او را کمک نمایند که صحت و سلامت روحانی از دست رفته‌اش را مجدداً به دست بیاورد و در ضمن به بزرگی تقصیرش پی ببرد. در تمام این جریان باید محبت و رحم نشان داده شود. هدف مجازات شخص مقصر نیست، بلکه بازگرداندن او به رابطه صحیح با کلیسا می‌باشد خدا داور افراد است کلیسا مسؤول اعضا و شهادت خودش می‌باشد (۱۳: ۵ و ۱۳). بنابراین شبانان و رهبران کلیسا باید دارای رحم شجاعت و عدالت باشند آنها باید بی‌طرف بوده و گناه را ماست مالی نکنند. این امر در رشد و استوار شدن کلیسا حائز اهمیت فوق‌العاده است. خدا کلیسایی را احترام خواهد کرد که خدا و کلامش را احترام می‌نمایند. آخرین مرجع (حکم نهایی)

گاهی وضعی پیش می‌آید که عناصر مختلف در کلیسا با هم اتفاق و اتحاد کامل ندارند. گاهی ممکن است بین شبان و هیأت‌مدیره بر سر راه حل یک مسأله به خصوص اختلاف پیدا شود. یا ممکن است قسمت بزرگی از اعضا کلیسا با شبان و هیأت‌مدیره اختلاف پیدا کنند. این موضوع ممکن است مستلزم صبر و وقت باشد بهترین راه حل اینگونه مشکلات همواره این است که از عجله و دستپاچگی یا اتخاذ تصمیم موقعی که احساسات مردم تحریک شده است خودداری گردد. باید صبر کرد تا کسانی که احساساتشان به جوش آمده است آرام شوند تا بتوانند درست قضاوت کنند گاهی شبانان بی‌جهت مطلبی را با زور قبولانده‌اند، ولی باعث ایجاد جدایی در جماعت شده‌اند. در صورتی که اگر صبر می‌کردند مشکل رفع می‌شد اگر شبان می‌بیند که هیأت‌مدیره از وی پشتیبانی نمی‌کند و ممکن نیست که به توافق برسند در آن صورت تنها چاره وی این است که مسأله را به کلیسا واگذارد. حکم نهایی کلیسا در امور محلی منوط است به تصمیم تمام جماعت با هدایت روح‌القدس طبق کلام خدا. بنابراین اگر نتوانستند اختلافی را از طریق معمولی حل کنند می‌توانند آن را به همه اعضای کلیسا (اعضای فعال کلیسا که نیکنام هستند) در یک جلسه عمومی واگذار کنند و تصمیمی که مبین اراده اکثریت اعضا باشد در مورد همه امور محلی قاطعیت دارد.

سوالات

- ۱- تشکیل کلیسا را از کجا باید شروع کرد؟
- ۲- تشکیل کلیسای محلی چه فوایدی دارد؟
- ۳- اولین شرط لازم برای تشکیل یک کلیسا چیست؟
- ۴- آیه‌ای از کتاب مقدس نشان بدهید که ضرورت توافق را در بین اعضای کلیسا در مورد تعلیمات اساسی و رفتار

تصریح می‌کند.

- ۵- درباره دقتی که باید در قبول اعضا به عمل آید توضیحی بدهید.
- ۶- چه کسی باید در مورد قبول اعضا تصمیم بگیرد؟
- ۷- یک کلیسای محلی چگونه باید از خودمختاری خود استفاده کند؟
- ۸- رابطه شبان را با کلیسا بیان کنید.
- ۹- حدود اختیارات و قدرت شبان چیست؟
- ۱۰- طرز اداره یکی از جلسات عادی هیأت مدیره کلیسا را شرح دهید.
- ۱۱- سمت و مسؤولیت‌های شماسان را شرح دهید.
- ۱۲- جمعیت را چگونه می‌توان در انتخابات مقامات کلیسایی رهبری کرد؟
- ۱۳- چه کسی مسؤول انضباط کلیسای محلی می‌باشد؟
- ۱۴- آیاتی از کتاب مقدس در مورد فوق ذکر کنید.
- ۱۵- وقتی شایع می‌شود که یکی از اعضا در گناه افتاده است چه قدم‌هایی باید برداشته شود؟
- ۱۶- در مورد مسایلی که به کلیسای محلی مربوط است حکم نهایی در دست کیست؟

مسئولیت‌ها و روابطی که در اداره کلیسای محلی موجود است شرح دادیم اکنون خودمختاری گروهی از کلیساهای را مورد مطالعه قرار دهیم. قبلاً اشاره کردیم که اولین و مهم‌ترین قسمت خودمختاری کلیسا در زمینه امور محلی می‌باشد و قبل از تشکیل کلیساهای محلی نباید کوشش کنیم که تشکیلات عمومی به وجود بیاوریم، زیرا هر نوع تشکیلات کشوری که موجود باشد به واسطه کلیساهای محلی و به خاطر آنها به وجود می‌آید. تشکیلات کشوری کلیسا باید در نتیجه احتیاج کلیساهای محلی به وجود بیاید و نباید آن را بر کلیساهای محلی بدون شرکت آنها تحمیل کرد. باید همواره در نظر داشت که هیچگونه اداره کاملی حتی در کلیسا هم یافت نمی‌شود. به علت ضعف‌هایی که طبیعت انسانی دارد پیوسته در هر نوع شیوه اداره کلیسا خطراتی یافت می‌شود. در شیوه اسقفی این خطر هست که یک سلسله مقامات به وجود بیایند که طالب منافع خود بوده و سمت‌های کلیسایی را پیوسته برای خود محفوظ نگه دارند. نمونه بارزی از شکست روحانی را در این زمینه در کلیسای کاتولیک رومی مشاهده می‌کنیم. در نتیجه اجرای شیوه مذکور در فوق تا سرحد امکان این فکر به وجود آمد که کلیسا و پاپ آن هرگز اشتباه نمی‌کنند. عده اعتراف به امکان ضعف انسانی در اداره کلیسا باعث شد که این شاخه از مسیحیت در تعلیم و عمل از نمونه عهد جدید به دور افتد. از طرف دیگر شیوه اداره کلیسا به طرز دموکراسی نیز خالی از خطر نیست تا زمانی که اعضا با خدا راه می‌روند و از روح پر باشند می‌توان بیشتر اطمینان کرد به اینکه روح‌القدس با دل همه صحبت می‌کند تا با دل یک نفر یا با یک دسته کوچک. وقتی که صدای یک کلیسای پر از روح‌القدس شنیده شود روح‌القدس می‌تواند تمایلات و رفتارهای غلط را اصلاح کند، ولی به همان میزانی که مردم از درک روحانی و تماس با خدا دور شوند خطر دخالت حکمت انسانی و امیال دنیوی نیز زیادتر می‌شود.

در اینگونه موارد همچنان که صدای پاپ صدای خدا نیست صدای مردم نیز صدای خدا نمی‌باشد عده‌ای با دیدن این خطرات سعی کرده‌اند که هر نوع حکومتی را از میان کلیسا بردارند تا خطرات رفع شود، ولی این عمل مشکل را حل نمی‌کند. کتاب مقدس بطور واضح تعلیم می‌دهد که در کلیسای محلی باید مشایخ (کشیشان) و شماسان باشند و کارهای کلیسا را اداره کنند و نیز نمونه‌هایی برای اداره دسته‌جمعی کلیساهای موجود است. همان احتیاجات فردی که کلیسای محلی در اداره امور داخلی خودش دارد نشان می‌دهد که بایستی یک نوع حکومتی باشد که کلیساهای مختلف را با هم متحد و در تعلیم و طرز رفتار متفق نگه دارد. در زمان عهد جدید نه فقط کلیساهای محلی مانند کلیسای اورشلیم و افسس به عنوان واحدهای محلی موجود بودند، بلکه کلیساهای یهودیه و آسیا نیز بودند از اینجا استنباط می‌شود که کلیساهای یک ناحیه با هم یک کلیسا را تشکیل می‌دادند (دوم قرن‌تیا ۸: ۱ و ۹: ۲ و دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴) بعضی‌ها فکر می‌کنند که حکومت کلیسا باید محدود به کلیسای محلی باشد و هر کلیسایی کاملاً به صورت یک واحد مستقل فعالیت کند. به عقیده نویسنده کلیساهای محلی باید در امور مربوط به محل خودشان به صورت واحدهای خودمختار فعالیت کنند، ولی چون از دایره محلی خارج شویم باز هم بدن مسیح است و بین کلیساهای روابطی موجود می‌باشد. برای مثال خدمت رسولان مختص یک کلیسای محلی نبود، بلکه بین‌الکلیسایی بود همانطوری که ایمانداران باید هر کدام جای خود را در کلیسای محلی پیدا کنند همچنین کلیسای محلی لازم است بداند که جزئی است از کلیسا و مخصوصاً قسمتی از کلیسای ناحیه و استان خودش می‌باشد. لزوم یک چنین اتحادی از عوامل زیر به وجود می‌آید:

اولاً: لزوم مشارکت مسیحیان. گروه‌های کوچکی که از افراد ایماندار تشکیل شده و با کلیساهای دیگر تماسی نداشته باشند جرأت و فعالیت خود را از دست می‌دهند مشارکت و مصاحبت بین ایمانداران آنان را تشویق می‌کند شادی روح‌القدس را به کلیسا می‌بخشد و مسیحیان را به فعالیت مسیحایی وادار می‌کند.

ثانیاً: اتحاد و مشارکت مسیحایی بر کلیساهای محلی یک نوع تأثیری می‌گذارد که باعث استواری و اصلاح آنان می‌گردد. همانطوری که اگر یک نفر ایماندار به مسیح به حال خودش گذاشته شود ممکن است عقاید و تفسیرات عجیب و غریبی از کتاب مقدس پیدا کند یا عقاید خیالی و پر از تعصب را بپذیرد به همین گونه جماعت‌ها نیز در معرض همان خطر می‌باشند. اتحاد و مصاحبت ایمانداران به مسیح تمایلات غلط را اصلاح می‌کند. تماس با کلیساهای

دیگر باعث برقراری موازنه‌ای در جماعت محلی می‌شود.

ثالثاً: وجود تشکیلات بین‌الکلیسایی اجرای پروژه‌هایی را که یک کلیسای محلی نمی‌توانست به تنهایی از عهده آنها برآید امکان‌پذیر می‌سازد این پروژه‌ها عبارتند از رسانیدن مژده انجیل به نقاط دست‌نخورده تأسیس مراکز تعلیمی برای واعظین مسیحی انتخاب و نگهداری ناظرین لایق و مبشرین و معلمین که مسؤول اجرای پروژه‌هایی خواهند بود که منجر به توسعه و برقراری کار خدا می‌شود. خدا خدای نظم و ترتیب است حتی در دنیای مادی نیز او سیارات و فصول را ترتیب داده است. سراسر طبیعت نشان می‌دهد که همه مخلوقات برای حفظ موجودیت خود متکی به یکدیگر می‌باشند. در اجتماع خدا خانواده را به صورت یک واحد منظم به وجود آورده است. خدا تشکیل حکومت‌ها را به منظور برقراری نظم در بین ملت‌ها تصویب کرده است. وقتی که بار موسی خیلی سنگین شد خدا به وی هفتاد نفر مشایخ داد تا در امر اداره قوم اسرائیل وی را کمک کنند رسولان با انتخاب هفت نفر شماس در کلیسای اورشلیم تشکیلاتی به وجود آوردند. روح‌القدس (تدابیر) را به عنوان یک عطای مخصوص به کلیسا داده است (اول قرن‌تین ۱۲ : ۲۸) در کتاب اعمال رسولان نقشه مشروحی از طرز سازمان کلیسا دیده نمی‌شود، ولی در هر صورت بعضی اصول اساسی پیدا می‌شود. اجازه بدهید ببینیم کلیسای رسولان برای حل مشکلی که نه فقط بر کلیسای محلی بلکه بر تمام کلیساها تأثیر داشت چه اقدامی به عمل آوردند.

نخستین شوری اورشلیم

هنگامی که موعظه انجیل در سرتاسر امپراطوری روم شروع شد و در میان امت‌ها کلیساهایی تشکیل گردید مشکلات بزرگی پدید آمد که هیچ یک از کلیساهای محلی نمی‌توانست به تنهایی از عهده حل آن برآید. از قرار معلوم جماعت‌های یهودی مسیحی شده و همچنین جدیدان (کسانی که از امت‌ها نخست شریعت موسی و سپس مسیح را پذیرفتند)، حفظ بعضی رسوم و قوانین موسی را ادامه می‌دادند از طرف دیگر جماعت‌هایی که توسط پولس و برنابا در میان ملت‌های غیریهود تشکیل شده بودند چنین تعلیم یافته بودند که فقط به وسیله ایمان ساده به مسیح نجات خواهند یافت، بنابراین سعی نکرده بودند که تازه‌ایمانان را ختنه کرده و آنها را زیر شریعت موسی قرار دهند. وقتی که عده بسیاری از ایمانداران یهودی فهمیدند که ملت‌های غیریهود بدون ختنه و تعلیم از شریعت موسی به مشارکت پذیرفته شده‌اند آنها سخت رنجیدند و به اصلاح آنچه فکر می‌کردند نقص بزرگی در تعلیم غیریهودیان است قیام کردند. آنها به کلیساهای غیریهودی تعلیم می‌دادند که نجات به وسیله پیروی از روش یهودیان بدست می‌آید و برای یافتن نجات بایستی پیرو مکتب یهود و شریعت موسی بشوند. پولس و برنابا متوجه شدند که چنین تعلیمی تعلیم نجات به وسیله ایمان را سخت مورد تهدید قرار داده است. مسأله مربوط به تعلیم اساسی بود و هیچ یک از کلیساها نمی‌توانست به تنهایی آن را حل کند.

کلیسای اولیه برای اتخاذ تصمیم درباره این موضوع چه اقدامی به عمل آورد؟ اختیار حکم نهایی در دست چه کسی بود؟ با بررسی روشی که کلیسای نخستین در حل مشکلات خود به کار برد ما اصول اساسی معینی را کشف می‌کنیم که ممکن است امروز نیز راهنمای ما باشد کلیسا با مشکل تعلیم کاذب و معلمین دروغین رو به رو شده بود (اعمال رسولان ۱۵: ۱ و ۵ غلاطیان ۶: ۱۲ و دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۲ - ۱۵ را ملاحظه کنید). برای رسیدگی به این موضوع از طرف تمام کلیساها منجمله از طرف کلیساهای محلی نمایندگان در اورشلیم جمع شدند (اعمال رسولان ۱۵: ۲ و ۶) نمایندگان کلیسا از یهود و غیریهود رسولان مشایخ و نمایندگان کلیساهای محلی همه حاضر شدند. رسولانی که بکار بشارت پرداخته بودند گزارش خود را به برادران دادند (اعمال رسولان ۱۵: ۴) و کار عجیبی را که خدا در بین ملت‌های غیریهود کرده بود شرح دادند. بدین طریق مشکل را کاملاً واضح کردند (آیه ۵). باید توجه داشت که هیچ کس اختیار حکم کردن نداشت و از مسند حکومت صحبت نمی‌کرد. از قرار معلوم یعقوب که رهبر کلیسای اورشلیم شناخته شده است ریاست جلسه را به عهده داشت نه پطرس. در نخستین مرحله حل مسأله آنها به بحث عمومی پرداختند که ظاهراً همه در آن شرکت داشتند و پطرس نیز تجربیات و نظریه خودش را بیان داشت (اعمال رسولان ۱۵: ۶ و ۷). بعد از آن یعقوب بحث را خلاصه کرد و پیشنهاد خود را به جماعت تقدیم کرد (آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۵) و تصمیم خودشان را که می‌بایستی راهنمای کلیساهای غیریهود باشد نوشتند (آیات ۲۸ و ۲۹). آنها کتاباسامی واعظین مورد قبول را گواهی کردند (آیات ۲۵ - ۲۷) آنها تعلیم و معلمین کاذب را رد کردند (آیه ۲۴) و مردانی انتخاب کردند که به نمایندگی از طرف تمام کلیسا مأموریت خاصی را انجام دهند (آیات ۲۲ و ۲۵). به علاوه آنها اظهار داشتند که روح‌القدس در اتخاذ تصمیم راهنمای آنان بوده است (آیه ۲۸) صورت جلسه اقدامات آنها به کلیساها

فرستاده شد که برای ما نیز نگهداری شده است (آیات ۲۳ - ۳۰). شاید لازم به تذکر باشد که بعضی‌ها با بحث و رأی دادن کلیسا در جلسات حل و فصل امور مربوطه مخالفند، زیرا اینگونه کارها را برای یک کلیسای روحانی خیلی «جسمانی» می‌دانند. آنها ترجیح می‌دهند که یک رهبر پر از روح به دیگران بگوید که چه باید کرد، یا روح القدس از راه نبوت کلیسا را هدایت کند.

اینگونه مخالفت‌ها به نظر نمی‌آید که براساس کتاب مقدس بنا شده باشد، زیرا در مورد قضیه مذکور، کلیسا می‌توانست از رهبری رسولان پر از روح القدس استفاده کند. همچنین کلیساها عادت داشتند که از انبیایی که با الهام روح صحبت می‌کردند استفاده کنند. با این وجود، در اتخاذ تصمیم، از کلام با قدرت رسولان و یا از نبوت انبیا استفاده نکردند. در هر صورت، بطور وضوح گفته شده است که در نتیجه بحث و موافقت عمومی روح القدس آنها را هدایت کرده است: «روح القدس و ما صواب دیدیم.» باید توجه داشت که پولس مایل بود که اعتبار مکاشفه‌ای را که از طرف خدا یافته بود به این شوری تسلیم نماید. در واقع به نظر می‌آید که وی توسط یک مکاشفه مخصوص از طرف خدا مأمور شده بود که این کار را بکند (غلاطیان ۲: ۱ و ۲ را ملاحظه کنید). ذیلا اقدامات این شوری را در مورد مسایلی که در کلیساها وجود داشت خلاصه می‌کنیم:

- ۱- آنها کشیشان و نمایندگان کلیساها را در یک جا جمع کردند.
- ۲- آنها مسایل را در حضور جماعت مورد بحث قرار دادند.
- ۳- هیچ کس به تنهایی درباره اتخاذ تصمیم لازم دستور نداد، بلکه همگی آزادانه به بحث در اطراف مسایل پرداختند.
- ۴- آنها تعلیم صحیح را تصویب و تعلیم غلط را رد کردند.
- ۵- آنها با مردانی که شخصیت و تعلیم سالم داشتند موافقت کردند، ولی معلمین کاذب را رد نمودند.
- ۶- آنها از بین خود مردانی را انتخاب و به آنان مأموریت خاصی سپردند.
- ۷- آنها گزارش کارکنان (خادمین خدا) را شنیدند.
- ۸- تصمیماتی که گرفته شد از طرف جماعت مورد تصویب قرار گرفت.
- ۹- روح القدس آنها را در بحث و گرفتن تصمیم هدایت کرد.
- ۱۰- آنها صورت جلسه‌ای را نوشتند و به کلیساها فرستادند.

از اینجا ما اصولی را بدست می‌آوریم که می‌تواند در حل مسایل کلیسایی راهنمای ما باشد. باید نمایندگان کلیساها مخصوصاً آنانی را که دچار مشکلات شده‌اند دور هم جمع کنیم. هیچ کس نباید به دیگران دستور بدهد که چه باید کرد، بلکه باید به همه فرصت داده شود تا عقیده خود را بیان کنند. در اینگونه بحث‌ها می‌توان اطمینان داشت که روح القدس همچنان که به پطرس و یعقوب کلام حکمت را عطا کرد، به عده‌ای از حاضرین نیز خواهد داد. وقتی روح القدس هدایت کرد خداوند جماعت را کمک خواهد کرد که با هم توافق کنند برحسب احتیاج می‌توان مردانی را از میان جمع انتخاب کرد تا مأموریت‌های خاصی را به نفع کلیساها انجام دهند. پس از اینجا به این نتیجه میرسیم که همانگونه که کلیسای محلی اورشلیم از میان خود مردانی را انتخاب کرد تا مأموریت خاصی را انجام دهند (اعمال رسولان ۶: ۱ - ۶) و گروه کلیساهایی که در اورشلیم جمع شده بودند مردانی را انتخاب و مأمور کردند که به تشریح و توضیح سمت خود در کلیساهای امت‌ها بپردازند، امروز نیز گروهی از کلیساها می‌توانند شورایی تشکیل بدهند و مردانی را از میان خود مأمور اجرای پروژه‌هایی بنمایند که برای مجموع کلیساها لازم و مفید به نظر می‌آید. عملاً کلیسای امروز احتیاج به اینگونه اشخاص دارد، مردانی که در سرزمین‌های جدید انجیل را بشارت می‌دهند، مردانی که دارای عطای مدیریت می‌باشند که به عنوان مشاور در حل مسایل داخلی کلیساها کمک کنند، مردانی که نظارت نواحی مخصوصی را به عهده بگیرند و دسته‌های ضعیفی را که در حال کشمکش می‌باشند تشویق نمایند تا به صورت کلیساهای متشکل درآیند، مردانی که به عنوان دبیران و صاحب‌منصبان گروه کلیساها انتخاب شوند تا در توزیع صحیح بودجه نظارت کنند.

همچنین شوری می‌تواند مسؤولیت اجرای پروژه‌هایی را که به نفع آن می‌باشد به مردان معینی بسپارد تا در فاصله بین جلسات شوری به اجرای آنها بپردازند. اوضاع جغرافیایی، حدود سیاسی، اختلاف زبان، وسایل حمل و نقل در تعیین حدود منطقه‌ای که باید جزو کنفرانس یا شوری درآید دخیل است. اگر بخواهیم کلیساهایی را که از هم خیلی دور

هستند و عملاً نمی‌توانند با هم مشارکت داشته باشند به صورت یک اتحادیه درآوریم استفاده زیادی بدست نخواهیم آورد وقتی به علت دوری مسافت، اختلاف زبان یا موانع سیاسی عملاً اتحاد کلیساهای یک ناحیه غیرممکن می‌شود، بهتر است آن ناحیه به واحدهای کوچکتری تقسیم شود و هر قسمت کنفرانس یا شورای مخصوص خود را داشته باشد. به همان طریقی که اعضای مؤسس یک کلیسای محلی برای تعیین اصول کلیسای محلی خودشان با هم توافق می‌کنند، همانطور کلیساهای نیز باید برای بحث در اطراف اصول توسعه کلیسا در ناحیه خودشان گرد هم جمع شوند. کلیساهای محلی با ارسال شبانان و نمایندگان مخصوص از طرف خود در این مجمع شرکت می‌کنند. سایر مسیحیان نیز از اعضا جماعت‌ها می‌توانند به عنوان ناظر شرکت کنند. این کنفرانس‌ها به صورت مجمع سالیانه ناحیه، برای رسیدگی به کار آن ناحیه، درمی‌آیند.

وقتی کار توسعه یافت، می‌توان ناحیه را به بخش‌ها تقسیم کرد. هر بخشی می‌تواند شامل پنج الی ده کلیسای محلی باشد. برحسب اقتضای اوضاع، این کلیساهای می‌توانند به فاصله سه یا شش ماه یک بار برای مشارکت دور هم جمع شوند. یک نفر ناظر که در کنفرانس سالیانه همه کلیساهای انتخاب می‌شود، سمت نظارت هر بخش را به عهده می‌گیرد و به شبانان و کلیساهای درمورد حل مسایلی که پیش می‌آید کمک می‌کند. از آنجا که ناظر در عین حال شبان یکی از کلیساهای بخش می‌باشد احتیاجی نخواهد داشت که سایر منابع نیز از نظر مالی او را کمک کنند، ولی به همین علت باید کلیساهای زیر نظر وی از لحاظ تعداد محدود باشند، در غیر این صورت به واسطه صرف وقت، برای توجه به بخش کلیسای خودش نخواهد رسید، یا نخواهد توانست بطور شایسته به کارهای بخش رسیدگی کند. اشخاصی، از قبیل ناظر ناحیه، منشی و خزانه‌دار که سمت عمومی دارند، از طرف مجمع عمومی در کنفرانس سالیانه انتخاب می‌شوند. امکان دارد بومیان بخواهند که یکی از میسیونرها جای ناظر ناحیه را بگیرد تا وقتی از بین آنها افرادی برای اداره کلیسا تربیت شوند. در هر صورت، هنگامی که رهبران بومی پیشرفت کردند، باید کلیه سمت‌های رسمی را خودشان اشغال کنند. بهتر است تا زمانی که هنوز میسیونر در محل موجود است یاد بگیرند که مسئولیت اداره کلیسا را به عهده بگیرند تا از میسیونر به عنوان راهنما استفاده کنند. کار درستی نخواهد بود اگر صبر کنیم تا میسیونرها خارج شوند آنوقت ناگهان مسئولیت رهبری را به عهده کلیسای بومی بیندازیم.

روابط داخلی در کلیسای کشوری

باید به خاطر داشت که حکم نهایی شوری در اختیار مردانی که برای انجام مأموریت‌های خاصی انتخاب می‌شوند نمی‌باشد، بلکه این حکم در اختیار شورایی است که آنان را انتخاب می‌کند. شورای ناحیه‌ای برای صدور حکم نهایی باید تشکیل جلسه دهد. قدرت و حکم شوری به وسیله تصمیماتی که در جلسات مجمع‌های خود می‌گیرد و نیز به وسیله انتخاباتی که می‌کند نمایان می‌گردد و به طرز محدودی در اختیار نمایندگان قرار می‌گیرد که مأموریت یافته‌اند تا در نبودن شوری کارهای آن را انجام دهند. وقتی شوری ناحیه‌ای (کشوری) جلسه ندارد، اختیارات آن به این ترتیب به کارکنان رسمی تفویض می‌گردد. ادعا نمی‌کنیم که عناوینی که برای کارکنان کلیسا به کار رفته و یا طرح سازمانی که در اینجا مورد بحث قرار گرفته است جزو به جزو از روی عهد جدید اقتباس شده‌اند. بدیهی است که اصول از روی عهد جدید گرفته شده است. مؤلف از روی ضرورت به شرح طرز اداره کلیسای مربوط به خودش پرداخته است، تا بتواند عملاً به کارکنانی که تحت تعلیم وی می‌باشند استفاده‌ای برساند، ولی اصرار ندارد که کلیساهای دیگر نیز حتماً جزئیات مذکور در فوق را قبول کنند. رهبران کل مشایخ (مدیران عامل با کارکنان بخش‌ها و نواحی) دسته‌ای است که جنبه نمایندگی کلیه اعضا کلیسا را بیش از هر دسته دیگری دارا می‌باشند و هنگامی که تمام اعضا شوری تشکیل جلسه نداده‌اند، این دسته از مشایخ دارای بزرگترین اختیارات می‌باشد. گروه رهبران اجرایی که مرکب از مدیر (رئیس یا ناظر)، معاون رئیس، دبیر و خزانه‌دار و افرادی که انتخاب می‌شوند و دارای هر سمت دیگری باشند. این دسته در غیاب دسته رهبران کل کارها را ادامه می‌دهد. مدیر رهبران اجرایی بر این دسته ریاست دارد و بعد از او معاون و دبیر و خزانه‌دار به ترتیب قرار می‌گیرند. مگر اینکه شوری اختیارات را به نحو دیگری تفویض کند.

در نتیجه هنگامی که رهبران اجرایی نتوانستند مسأله‌ای را حل کنند به رهبران کل مراجعه می‌کنند، اگر این دسته نیز از عهده حل آن برنیامدند، به شورای کشوری که نماینده عالی کلیساهای می‌باشد مراجعه می‌شود. باید در نظر داشت که فقط شورای کل (سازمان کشوری)، وقتی که تشکیل جلسه داده است دارای حق وضع قوانین می‌باشد. رهبران کل و رهبران اجرایی سمت اداره امور را دارند و خودشان نمی‌توانند به وضع قوانین بپردازند. بنابراین در کلیسا دو سازمان مشاهده می‌کنیم: کلیسای محلی با هیأت رسمی آن که کارهای یک جماعت محلی را اداره می‌کند و سازمان

کشوری که نماینده گروهی از کلیساهاست که در آن ناحیه (کشور) قرار دارند و این سازمان نیز می‌تواند کارکنان خود را انتخاب کند و به وضع قوانین بپردازد. رابطه بین این دو دسته چیست؟ باز هم تکرار می‌کنیم که حق حاکمیت کلیسای محلی را در دایره خودش به رسمیت می‌شناسیم. این رابطه را می‌توان به این طریق بیان کرد: شورای کل (سازمان کشوری) به این منظور به وجود نیامده است که برای کلیساهای مختلف محلی قوانین وضع کند یا بر آنها حکومت نماید و یا حقوق و امتیازات آنها را که کتاب مقدس به آنان داده است صلب نماید، بلکه رابطه شورای کل با کلیسای محلی در زمینه همکاری و تبادل نظر می‌باشد. شورا کارش نظر دادن و مشورت و راهنمایی است نه مجبور کردن. به عبارت دیگر یک عضو سازمان کشوری (شورای کل) حق ندارد که در حل مسایل مربوط به کلیسای محلی به شبانان و یا هیأت رسمی آنها دستور بدهد.

کارکنان اجرایی ممکن است بیایند و نظریات و کمکهای روحانی خود را به کلیسا بدهند. اتخاذ تصمیم واقعی منوط به کلیسای محلی است که در دایره خود حق حاکمیت دارد. از طرف دیگر حق حاکمیت کلیسای محلی نیز نامحدود نمی‌باشد. مثلاً کلیسای محلی حق ندارد دست به اقداماتی بزند که با موافقت‌نامه کلیساهای بطور کلی تضاد داشته و یا به حق حاکمیت کلیساهای عضو شوری تجاوز کند. برای توضیح، دیدیم که انتخاب کارکنان بایستی از طرف شورای کشوری تصویب یا رد شود. کلیسای محلی حق نخواهد داشت شخصی را که از طرف شورای کشوری رد شده است به عنوان شبان خود بپذیرد و نیز حق نخواهد داشت اصولی را که از طرف کلیه کلیساهای پذیرفته نشده است تعلیم دهد، و نه کارهایی که از نظر اصول اخلاقی برای همه کلیساهای زیان‌بخش تشخیص داده می‌شود. همانطوری که اعضا یک کلیسای محلی در زندگی یکدیگر تأثیر دارند و بایستی نظم و انضباط را به منظور حفظ اصول رفتار و تعلیم مورد نظر دسته خودشان، مراعات نمایند بدیهی است که اگر یک کلیسای محلی شخصی را که از طرف گروه کلیساهای (سازمان کشوری) به واسطه فساد اخلاق تحت انضباط و تنبیه قرار گرفته است، به عنوان شبان خود انتخاب کند این اقدام موجب ضعف سایر کلیساهای خواهد شد، زیرا تأثیر آن از دایره کلیسای محلی نیز فراتر خواهد رفت. حق حاکمیت یک کلیسا به وسیله حق حاکمیت کلیساهای دیگر محدود می‌شود. کلیساهای حق دارند از کلیسایی که با آنان رابطه دارد بخواهند که اصول مشترک را حفظ کند. بنابراین از اینجا نتیجه می‌گیریم که وقتی کلیسای محلی بخواهد با سایر کلیساهای رابطه داشته باشد و تشکیل یک بدن را بدهد، حق حاکمیتش بطور داوطلبانه محدود می‌شود. کلیساهای ما آزادند، ولی مستقل نیستند، زیرا ما اعضا یکدیگریم. یکی از رهبران کلیسای امریکای مرکزی نیکو گفته است: «ابتدای یک حق انتهای حق دیگر است.» لذا کلیساهای محلی تا آنجا حق حاکمیت دارند که به سایر کلیساهای صدمه نرسانند یا کارهایشان به زیان مجموع کلیساهای تمام نشود. از طرف دیگر، صاحبان منصب که نمایندگان سازمان کشوری کلیساهای می‌باشند باید دقت لازم را به عمل آورند تا حق حاکمیت کلیسای محلی را در دایره خودش محترم بشمارند و او را مجبور به قبول تصمیمات نکنند. خواهش و استدعایی که با کتاب مقدس تأیید شده باشد بعد از مدتی از هر نوع فشار انسانی که بر کلیسا وارد بیاوریم تأثیرش بیشتر خواهد بود.

تأمین معاش برای کارکنان رسمی

نظر به اینکه کلیساهای دارای یک سازمان کشوری خواهند بود. بایستی برای تأمین معاش کسانی که کلیساهای را خدمت می‌کنند فکری کرد. طرز انجام این امر بستگی به این دارد که سمت‌های آنان تمام وقت باشد. در غیر این صورت، ناظر کل کلیساهای و سایر کارکنان سمت شبانی خود را حفظ کرده و فقط در مواقع احتیاج مخصوص برای سرکشی به کلیساهای به مسافرت خواهند پرداخت. مسایل معمولی را می‌توان توسط ناظر توسط ناظر هر بخش حل کرد. باید گفت که این نقشه محاسن زیادی در بردارد، زیرا بر دوش کلیساهای بار مالی نمی‌گذارد و خطر تمرکز بیش از حد قدرت و ثقل را در مقامات بالا در سازمان کشوری از بین می‌برد. از طرف دیگر به تجربه ثابت شده است که غالباً بر دوش کسی که باید هم شبانی یک کلیسا را بکند و هم وظایف مربوط به بخش خود را نیز انجام دهد بار سنگینی گذاشته می‌شود، چنانکه معمولاً باید لاقلاً سمت ناظر کل تمام وقت باشد. در بسیاری از نقاط آمریکای لاتین، شبانان با ارسال عشریه درآمد خود به اداره مرکزی، مخارج زندگی کارکنان خود را تأمین می‌کنند. بعضی کنفرانس‌ها با گرفتن هدایای مخصوصی از هر کلیسا این بودجه را تکمیل می‌کنند، یا از محل درآمد دیگر کلیسا (غیر از مبلغی که برای تأمین زندگی شبان پرداخت می‌شود)، بر حسب تصویب کنفرانس، بودجه مزبور را تکمیل می‌کنند.

سؤالات

- ۱- خطراتی را که ذاتاً در هر نوع شیوه اداره موجود است بیان کنید.
- ۲- نشان دهید که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باید در کلیسا حکومت باشد.
- ۳- لزوم متحد ساختن کلیساهای محلی را بیان کرده و سه تا از محاسن آن را بشمارید.
- ۴- در کلیسای نخستین چه وضعی موجود بود که اتحاد کلیساهای را عملاً ضروری ساخت؟
- ۵- چه کسی مشکلات تعلیمی (اصولی) را برای کلیسا حل کرد؟
- ۶- برای اتخاذ تصمیم چه اقداماتی به عمل آوردند؟
- ۷- از روی کتاب مقدس ثابت کنید که خدا اقدام و تصمیم آنها را محترم شمرد.
- ۸- از این واقعه چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- ۹- برای سپردن مسؤولیت به مردان درباره وظایفی که خارج از دایره کلیسای محلی است، به کجا استناد می‌کنیم؟
- ۱۰- کلیساهای امروز چه احتیاجی به اینگونه اشخاص که صاحب مأموریت خاصی باشند، دارند؟
- ۱۱- برای تشکیل اتحادیه کلیساهای (کنفرانس یا شورای) چه اقدامی باید به عمل آید؟
- ۱۲- وقتی کار توسعه پیدا کرد، برای نظارت چه قدم‌هایی باید برداشته شود؟
- ۱۳- کارکنان (صاحبان سمت‌های رسمی) چگونه باید انتخاب شوند؟
- ۱۴- قدرت و اختیار نهایی کلیسای کشوری در دست کیست؟
- ۱۵- رابطه بین اختیارات و قدرت سازمان کشوری و کلیسای محلی چیست؟
- ۱۶- حدود حاکمیت کلیسای محلی را بیان کنید.
- ۱۷- آیا کلیسای محلی حق دارد شبانی را انتخاب کند که از طرف سازمان کشوری رد شده است؟ جواب خود را با دلایل بیان کنید.
- ۱۸- کارکنان سازمان کشوری در رابطه خود با کلیساهای محلی چه دقتی باید به عمل آورند؟
- ۱۹- چگونه می‌توان هزینه زندگی کارکنان سازمان کشوری را تأمین کرد؟

در طی کوششی که برای برگشتن به نمونه عهد جدید جهت تأسیس کلیساها به عمل می‌آوریم، در هیچ جا مشکل بغرنج‌تری از تأمین هزینه‌های کلیسا پیدا نمی‌کنیم. علت این امر این نیست که اجرای روش عهد جدید در تأمین هزینه‌های کلیسا ذاتاً یک امر مشکلی است، بلکه تا اندازه زیادی نتیجه به کار بستن روش‌های جدید میسیونری در تأسیس کلیسا می‌باشد. اگرچه ممکن است عجیب به نظر بیاید، مشکل جدی که امروزه در بعضی نقاط دیده می‌شود، بیشتر به علت خوش‌حالی قلبی میسیونرهایی به وجود آمده است که کار را پایه‌گذاری کرده‌اند. بگذارید به مسأله بزرگی که اولین میسیونر با آن رو به رو شد نظری بیفکنیم. او در یک قلمرو وسیع خود را عملاً تنها دید. در ابتدا نه دوستان و نه تازه‌ایمانانی بودند که وی را کمک نمایند. با مشاهده انبوه مردمی که بدون مسیح بودند و هزاران دهکده‌ای که انجیل را نشنیده بودند دل میسیونر ناراحت می‌شد. از این هم بدتر، تازه‌ایمانانی را که او برای خدا صید کرده بود از طرف قوم خودشان از مزایای اجتماعی محروم می‌شدند. گاهی جفا به قدری شدید بود که تازه‌ایمانان وسایل زندگی خود را نیز از دست می‌دادند در نتیجه، برای حل این مسأله، میسیونر کوشش می‌کرد به تازه‌ایمانان یک نوع کمک مالی بکند. گاهی آنها در کارهای میسیون کمک می‌کردند. طبیعتاً اگر آنان کوچکترین استعداد خدمت روحانی از خود بروز می‌دادند، میسیونر بی‌نهایت شاد می‌شد که این افراد با ارزش را به عنوان معاونین در کار خطیرش به کار ببرد، چون رابطه آنها بطور کلی با قوم خودشان قطع شده بود از نظر مالی به میسیونر تکیه می‌کردند. در طی وعظ و تشکیل جماعت‌ها، آنها احتیاج بزرگی در خود حس نمی‌کردند که به این تازه‌ایمانان اصول اساسی مسؤولیت مالی را نسبت به کار خدا تعلیم بدهند.

میسیونر هزینه زندگی خود را از خارج کشور دریافت می‌کرد، کسی که مشغول کار خدا می‌شد حقوقش از طرف میسیونر پرداخت می‌گردید. چه لزومی داشت که مسیحیان برای نگهداری کلیسا و شبان فداکاری کنند؟ طبعاً میسیونر می‌خواست کارکنان خود را از بین جوانانی که در مدرسه میسیون تعلیم گرفته بودند پیدا کند. مردمان مسن‌تر زیاده از حد گرفتار روش‌های کهنه زندگی بودند و عوض شدن آنان مشکل بود. بنابراین میسیونر امید خود را به جوانانی که به آسانی قابل تربیت بودند و به مدرسه او می‌آمدند، بست. وی امیدوار بود که با تعلیم و سرمشق خوب خواهد توانست رهبران نیرومند مسیحی تربیت کند. گاهی او موفقیت بدست می‌آورد، ولی معمولاً موانع بزرگی در سر راهش قرار می‌گرفت. این جوانان در ضمن رشد و نمو خود معمولاً متکی به میسیون و میسیونر می‌شدند. برای طلب راهنمایی آنها چشم به سوی وی می‌دوختند و طبعاً هنگامی که مدرسه را تمام می‌کردند منتظر بودند که او هزینه زندگی‌شان را تأمین کند. آنان برای خدمت انجیل تربیت شده و از قوم خود جدا شده بودند، حتی عادات آنها نیز در نتیجه مدت زیادی بسر بردن در محوطه میسیون با مردم کشورشان فرق می‌کرد. آنها نمی‌توانستند به آسانی با زندگی روستایی سازش کنند آنان به سطح زندگی بالاتری از آنچه در دهات کوچک بود عادت کرده بودند.

به نظر آنان رفتن به دهات و از سر گرفتن زندگی بدوی تنزل بود. خود واعظین (کارکنان) و کلیسایی را که به وجود آورده بودند، طبعاً خود را از نظر مالی وابسته و متکی به میسیون خارجی می‌پنداشتند. در نتیجه آنها مقدار زیادی از قوه ابتکار فردی و زندگی نیرومندی را که در کلیسای واقعاً بومی دیده می‌شود از دست دادند. در ابتدا میسیونر و واعظ بومی و مسیحیان هیچ کدام متوجه اثرات سست‌کننده این روش در زندگی روحانی کلیسای جدیدالتأسیس نشدند. در سالهای بعد وقتی اشتباه روشن‌تر شد هم میسیونر و هم تازه‌ایمانان به قدری در این روش پیش رفته بودند که تغییر مسیر به آسانی میسر نمی‌شد در نتیجه روش مزبور ادامه یافت. در اینجا هدف ما این است که طرز رفع این اشتباه را نشان دهیم. قبل از اینکه جلوتر برویم، بهتر است شرح دهیم که به چه دلیل ما ایمان داریم که کلیسا بایستی از نظر مالی خودپرداز باشد.

۱- نقشه کتاب مقدس همین است - اول قرن‌تین ۹: ۷ - ۱۴. کلیسای حقیقی باید سرمشق‌ها و تعلیماتی که در عهد جدید ذکر شده است پیروی کند. ما نمی‌توانیم از روش‌های دیگر، هر چند مدت‌ها مورد احترام میسیونرها و فرقه‌ها باشد، بدون وارد کردن زیان به زندگی روحانی کلیسا، پیروی کنیم. کتاب مقدس بایستی رهبر ما باشد. خیال می‌کنیم که خوانندگان با تعلیم کتاب مقدس در خصوص عشریه آشنا هستند. برای اثبات اینکه دادن عشریه روشی است که

کتاب مقدس جهت نگهداری کلیسا تعلیم داده است، نمی‌توانیم در اینجا به صرف وقت و جا بپردازیم. اگر چنانچه خوانندگان با این تعلیم آشنایی ندارند، پیشنهاد می‌کنیم که کتاب مقدس خود را بردارند و قبل از اینکه جلوتر بروند، این موضوع را بطور کامل مورد مطالعه قرار دهند. در مورد این مطالعه، فقط یک آیه ذکر می‌کنیم. در اول قرن‌تین ۹: ۱۳-۱۴، پولس از کاهنان عهد عتیق مثال آورده و می‌گوید کسانی که در هیکل به خدمت مقدس مشغولند بایستی از هیکل نیز زندگی آنان تأمین شود. با خواندن عهد عتیق می‌بینیم که این کاهنان از عشریه بقیه بنی‌اسرائیل زندگی می‌کردند (عشریه؛ یعنی ده درصد درآمد)، (اعداد ۱۸: ۲۰-۲۱ را ملاحظه کنید). سپس در اول قرن‌تین ۹: ۱۴ او اضافه می‌کند: «و همچنین خداوند فرمود که هر که به انجیل اعلام نماید از انجیل معیشت یابد؛ یعنی از عشریه و هدایای جماعت.

در عهد جدید، از تهیه معاش شبانان به وسیله وجوه مملکت دیگری اصلاً ذکری هم نشده است. نمی‌بینیم که پولس رسول از کلیسای اورشلیم یا انطاکیه خواسته باشد که برای کلیساهای جدیدی که وی تأسیس کرده بود پول بفرستند، بلکه می‌بینیم که ایمانداران جدید را تشویق می‌کند که از کار خودشان توجه کنند و بار مالی را از دوش کارکنان خودشان بردارند. برخلاف روش امروزی ما، پولس اقلاً در یک مورد از کلیساهای جدیدالتأسیس هدایا جمع کرد تا جهت مقدسین محتاج در کلیسای اورشلیم که کلیسای مادر بود بفرستد. ممکن است کسی پرسد، مگر پولس برای تأمین معاش خود به جای اینکه از کلیساهای هدیه بگیرد با دست‌هایش کار نمی‌کرد؟ آیا نباید ما در این امر از وی سرمشق بگیریم؟ پولس دو منبع درآمد داشت. اولاً، او برای انجام فعالیت‌های بشارتی‌اش از کلیساهای هدیه دریافت می‌کرد (فیلیپیان ۴: ۱۶ و ۱۸). ثانیاً، وقتی که اینگونه هدایا قطع می‌شد او با دست خود کار می‌کرد تا احتیاجاتش را رفع کند. او برای انجام این کار دلیلی می‌آورد و آن اینکه تا بشارت انجیل عقب نیفتد.

در هر صورت، پولس پس از تأسیس کلیسا، به وسیله نامه‌هایش برادران را تشویق می‌کرد که مخارج کسانی را که در خداوند در میان آنان زحمت می‌کشیدند تأمین کنند. میسیونرهای جدید در این خصوص از سرمشق پولس پیروی می‌کنند. معمولاً، میسیونرها از تازه‌ایمانان هدیه‌ای دریافت نمی‌کنند، گرچه مطابق کتاب مقدس می‌توانند این کار را بکنند. آنها هدیه نمی‌گیرند تا مبادا متهم به انتفاع از مردم بشوند. میسیونرها، مانند پولس، «کلیساهای دیگر را غارت» می‌کنند (دوم قرن‌تین ۱۱: ۸)؛ یعنی کلیساهای کشور خودشان را، تا کلیسای جدیدالتأسیس را که تازه شروع به رشد کرده است خدمت کنند، ولی همچنان که پولس تازه‌ایمانان را تشویق می‌کرد که هزینه زندگی شبانان خود را فراهم کنند، میسیونرها نیز باید کلیساهای تشویق کنند که از خادمین خود نگهداری کنند. (کاملاً بجا خواهد بود که یک نفر مبشر که در محل جدیدی شروع به کار می‌کند برای تأسیس کلیسا مخارج زندگی خود را عهده‌دار شود، ولی هنگامی که کلیسا تشکیل شد، کلیسا باید هزینه زندگی شبانان را به عهده بگیرد) اگر هم دلایل دیگری در دست نباشد که لزوم پرداخت هزینه زندگی شبانان را از طرف کلیسا ثابت کند، کافی است که این موضوع در کتاب مقدس تعلیم داده شده و در عهد جدید سرمشقی برای ما به جا گذاشته شده است. در هر صورت، دلایل دیگری نیز موجود است.

۲- کلیسا باید به وسیله ده یک جماعت مخارج خود را عهده‌دار شود، زیرا دادن ده یک روشی است منطقی و عادلانه جهت نگهداری کار خدا. هنگامی که ده خانواده یا بیشتر با وفاداری ده یک بدهند می‌توانند واعظ خود را از نظر زندگی اقتصادی، تقریباً هم سطح خودشان نگه دارند. بدیهی است که مخارج شبانان از یک خانواده متوسط بیشتر است و به نسبتی که در نتیجه کار او جماعت بزرگتر شود باید درآمدش نیز اضافه شود (تبصره: وقتی که جماعت کوچک است، اگر شبانان تمام ده یک جماعتش را دریافت کند یک امر عادی خواهد بود، ولی هنگامی که عده اعضا جماعت زیاد شد شبانان نباید تمام ده یک را به خود اختصاص دهد. بایستی برای مبلغی که شبانان می‌گیرد حد مناسبی تعیین گردد. می‌توان برای تعیین مبلغی که باید به شبانان پرداخته شود با هیأت رسمی مشورت کرد و شاید هم لازم باشد که با رهبران کلیسا که صلاحیت دارند درباره میزان احتیاجات شبانان نظر بدهند، مشورت به عمل آید. مبلغ اضافی باید طبق تصمیم هیأت رسمی (هیأت‌مدیره) و برحسب روش کلی که اتخاذ می‌گردد، به مصرف گسترش کار خدا برسد. ده یک را بایستی «به مخزن» آورد (ملاکی ۳: ۱۰) و نباید آن را به دست یک نفر سپرد.

۳- همچنین ضروری است که جماعت نسبت به گسترش کار و تأمین هزینه زندگی شبانان خودش مسؤولیت خود را بفهمد. وقتی گروهی از برادران روحانی از قبول مسؤولیت مالی خودداری می‌کنند، قاعدتاً آنان از قبول مسؤولیت روحانی نیز شانه خالی می‌کنند. با مقایسه زندگی و نیروی کلیسایی که از شبانان خود نگهداری می‌کند و کلیسایش را

ساخته است و جماعتی که همه چیز آن از طرف میسیونر تهیه شده می‌توان به اهمیت این موضوع پی برد. جماعتی که با فداکاری و کار و کوشش کارش را پایه‌گذاری کرده است، مسؤولیت موفقیت آن را نیز عهده‌دار شده و معمولاً در کار بشارت از جماعتی که همه چیزش از پول خارجی تهیه شده است بسیار فعال‌تر خواهد بود.

۴- به علاوه، شبان باید در مقابل جماعت خودش احساس مسؤولیت کند، نه در مقابل میسیونر یا میسیون. اگر میسیون خارجی حقوق شبان را می‌پردازد، طبعاً وی سعی خواهد کرد که میسیونر را خشنود سازد. شبان باید احساس کند که خدا او را برای کاری که خدا تعیین نموده خوانده است و او از طرف میسیون فرستاده نشده است. در غیر این صورت خدمت او مقدار زیادی از تأثیر خود را از دست داده و حتی ممکن است با شکست رو به رو شود.

۵- نباید فراموش کرد که فداکاری و تحمل زحمات جزو لاینفک پیشرفت کار یک خادم خداست. وقتی که خادم خدا برای تأمین معاش مجبور است به خدا تکیه کند، ایمان و زندگی روحانی خودش تقویت می‌شود، ولی هنگامی که برای تأمین مایحتاج زندگی چشم به سوی میسیونر می‌دوزد، از این وسیله بسیار عملی رشد در خدمت روحانی محروم می‌شود. خادمی که می‌خواهد خدمت بزرگی انجام دهد باید مایل باشد که در همه چیز به خدا توکل کرده و از او هدایت و راهنمایی بطلبد. برای اینکه کسی گمان نکند که مؤلف فقط جنبه نظری کار را ذکر می‌کند، باید تذکر داد که خوانندگان می‌توانند کاملاً مطمئن باشند که مؤلف از آنها نمی‌خواهد کاری را انجام دهند که خودش امتحان نکرده است، در طی سال‌های پر تجربه در پایه‌گذاری کار و رسانیدن بشارت به مردم کشور خودش، موقعی که اوضاع مالی دشوار و کساد حکمفرما بود، مؤلف این درس‌های گران‌بها را یاد گرفت. وقتی که راه‌های تأمین معاش شخص و خانواده‌اش را ظاهراً بسته شده است، تکیه به خدا که مایحتاج را فراهم کند، تجربه‌ای است که باید آدم خودش از آن بگذرد تا معنی‌اش را بفهمد. ایمان مؤلف در این تجربیات قوی گشت و خدمات آینده‌اش بر روی این تجربیات استوار گردید.

۶- باید متذکر شد که واعظی که از خارج حقوق می‌گیرد برخلاف کسی که از جماعت کلیسایش حقوق می‌گیرد با حسن نیت هموطنانش رو به رو نمی‌شود. کسی که از طرف میسیون حقوق دریافت می‌کند به جای اینکه او را یک خادم فداکار خدا بدانند غالباً خیال می‌کنند که وی یکی از اجیران مذهب خارجی است. در سال‌های اخیر مواردی پیش آمده است که چون کسی از خارج حقوق دریافت داشته او را به جاسوسی متهم کرده‌اند. برای کسی که از جماعت محلی خودش حقوق دریافت می‌کند چنین سوءتفاهماتی پیش نمی‌آید. در زمان جنگ یا انقلابات سیاسی هنگامی که میسیونر کشور را ترک گفته و کمک‌های خارجی نیز قطع شده است، کلیساهای خودپرداز بهتر توانسته‌اند به بقای خود ادامه دهند. حتی در صورتی که کسی از میسیون حقوق دریافت می‌کند، ولی مردم او را عامل سیاست خارجی ندانند، باز ممکن است او را عامل مذهب خارجی گمان کنند، به این دلیل که می‌گویند بابت حقوقی که دریافت می‌کند یک عقیده خارجی را وعظ می‌کند.

۷- با در نظر گرفتن رشد روزافزون روح ملیت پرستی (ناسیونالیسم) که در بسیاری از کشورها به چشم می‌خورد، خودپرداز بودن کلیسا و تأمین مخارج آن از منابع داخلی روز به روز ضروری‌تر می‌شود. بدون اینکه میسیونر تقصیری داشته باشد، در بسیاری از نقاط دنیا توده مردم او را عامل استعمار دانسته‌اند و حال اینکه مردم دنیا با فریادهای خود آزادی و استقلال می‌خواهند. بسیاری از مردم دریافت کمک خرج از خارج را به توسعه استعمارگری تعبیر خواهند کرد. در جاهای دیگر که استعمارگری نفوذ نکرده است ترس از «امپریالیسم» خارجی حکمفرماست گرچه بطلان این سوءظن‌ها نسبت به یک میسیونر کاملاً بدیهی است، در هر صورت بسیار به نفع کلیسای بومی خواهد بود که کسی نتواند چنین تهمت‌هایی به آن بزند. به علاوه، نمی‌توان انکار کرد که کسانی که پول می‌دهند دستور نیز می‌دهند. به عقیده ما کلیساهای بومی که به رشد کافی می‌رسند باید بتوانند سمت رهبری را خود عهده‌دار شوند. تکیه مداوم بر کمک‌های خارجی باعث عقب افتادن توسعه کار رهبری در بین بومیان شده و رشد کلیسای حقیقی محلی را متوقف می‌سازد. ما باید همواره از پیوندهای روحانی که ما را به برادرانمان در کشورهای دیگر مربوط می‌سازد آگاه باشیم، زیرا کلیسای عیسای مسیح یک کلیساست و حدود سیاسی نمی‌شناسد. در هر صورت صحیح نیست که یک قسمت از کلیسا به علل مالی دست‌نشانده قسمت دیگر بشود.

۸- اکنون می‌رسیم به آخرین و یکی از قوی‌ترین دلایل اینکه کلیسا باید خودپرداز باشد. اگر کلیسا قادر به تأمین

مخارج خود نمی‌باشد، روزی خواهد رسید که به علت فقدان بودجه نخواهد توانست که حدود خود را توسعه دهد، زیرا تمام وجوه موجود فقط صرف نگهداری کار فعلی خواهد شد. به عبارت دیگر کلیسا به مرحله‌ای می‌رسد که حالت حمله و تشکیل کلیساهای جدیدی را تشویق کند که داخل خدمت خدا شوند. کمکهای مالی خارجی همیشه محدود است حداکثر کمکی را که می‌توانند بکنند باز هم کفایت نمی‌کند. نظر به اینکه مبلغ کمکی که از خارج می‌توان دریافت داشت محدود است، خواه ناخواه روزی می‌رسد که اگر بخواهیم یک نفر تازه به عده کارکنان اضافه کنیم، حقوق سایر کارکنان به همان میزان کم خواهد شد، این وضع غیرقابل تحمل می‌گردد. نمی‌توان قبول کرد که کلیسای مسیح مجبور است چنین محدودیت‌هایی را متحمل شود. از طرف دیگر هنگامی که هر جماعت تازه مسؤولیت ساختمان کلیسا و نگهداری شبان خود را عهده‌دار می‌شود، برای میزان گسترش کار این نوع کلیساهای محدودی نمی‌توان قائل شد. در این صورت هر کلیسایی یک واحد متکی به خود شده و موقعی که دامنه فعالیتش گسترش پیدا کرد و شعبات جدیدی به وجود آمد، هر کلیسای جدید مسؤولیت کار خود را به عهده خواهد گرفت. در واقع، کلیساهای تازه خود منبع درآمدی برای کمک به توسعه کار خواهند شد. ضروری بودن خودپردازی کلیسا را روشن ساختیم، حال اجازه بدهید بعضی قدم‌های عملی را که ما را قادر به رسیدن به این هدف می‌سازد، بررسی کنیم: قبل از همه چیز، خود خادمین انجیل بایستی بطور کامل آموخته شوند و متقاعد باشند که اجرای این حقیقت کتاب مقدس ضروری است.

آنان باید اخلاقاً نیز از این کار پشتیبانی کنند. آنها باید فوایدی را که از اجرای این روش عاید خودشان و کار خدا خواهد شد مشاهده کنند و خود را وقف اجرای آن بسازند. اگر خادم خدا شخصا با این اصل موافقت نداشته باشد، قبول مسؤولیت از طرف جماعت کلیسایش حقیقتاً دشوار خواهد بود. باعث تأسف است که بعضی کارکنان (خادمین) کوتاه نظر به جای اینکه متکی به جماعت و متوکل به خدا باشند، ترجیح می‌دهند که به کمک ناچیز میسیون دل ببندند. ما دیده‌ایم که وقتی خادمین خدا خواسته‌اند که از این حالت بیرون بیایند، در طی چند ماه وضع مالی آنان نسبت به موقعی که میسیون متکی بودند عملاً بهتر شده است. علتش این است که تا وقتی میسیون حتی یک قسمت جزئی از حقوق خادم خدا را می‌پردازد جماعت کلیسا نسبت به پرداخت حقوق وی احساس مسؤولیت واقعی نخواهند کرد. آنگاه باید کلیساهای را نیز تعلیم داد. میسیونرها و واعظین باید دادن ده یک را به اعضای کلیسا یاد بدهند این نکات بایستی با آنها مورد بحث قرار گیرد. گاهی صبر بسیار لازم است تا جماعت کلیسا مسؤولیت لازم را قبول کند، ولی همین که اعضا فواید روحانی این کار را دیدند، آنها شخصا مبادرت به تعلیم دیگران خواهند کرد. مدیران کلیسا باید برای دیگران نمونه باشند. وقتی یک نفر ایماندار مقام با مسؤولیتی را در کلیسا قبول می‌کند باید بداند که موظف است در تمام این مطالب سرمشق کلیسا بشود. این نکته نیز حائز اهمیت است که تازه‌ایمانان را بعد از ایمان آوردن و قبل از قبول مسؤولیت عضویت کامل در کلیسا، زود باید متوجه مسؤولیت مالی نسبت به کلیسا نمود.

بعضی از شبانان در تعلیم مسؤولیت مالی به تازه‌ایمانان با تردید قدم برداشته‌اند، زیرا ترسیده‌اند که مبادا کم جرأت شوند. این اشتباه است. زمان تعلیم تازه‌ایمانان وقتی است که دلشان نسبت به خدا نرم شده و در جوش و خروش محبت نخستین خود بسر می‌برند. همین که از انجام این مسؤولیت غفلت ورزیدند عوض کردن آنان خیلی مشکل‌تر می‌شود. شبان باید برای جلب اعتماد جماعت کلیسا نسبت به نحوه صرف وجوه، دقت مخصوصی به عمل آورد. بعضی از شبانان نمی‌خواهند که جماعت بدانند آنها چقدر هدیه جمع می‌کنند مبادا خیال کنند که زیاد دریافت می‌کنند. ما معتقدیم که کاملاً عکس این مطلب درست است. احتمال بیشتری می‌رود که جماعت از دادن حقوق خوب به شبان خود افتخار کند. از طرف دیگر اگر آنها ندانند که او چقدر می‌گیرد ممکن است خیال کنند که درآمد او از آنچه عملاً دریافت می‌کند زیادتر است. باید بطور متناوب به کلیسا گزارش مالی داده شود. این کار اعتماد مردم را جلب خواهد نمود و اعتماد باعث می‌شود که آنها با دست گشاده هدیه بدهند. شاید لازم به تذکر باشد که باید شبان شخصا از درآمدش ده یک بدهد و از این راه سرمشق دیگران بشود. او نمی‌تواند آنچه را خود عمل نمی‌کند به دیگران وعظ کند. نباید فراموش کنیم که مهم‌ترین واحد کار همانا کلیسای محلی است. نباید کلیسا را به طرز اداره کنیم که مسؤولیت لازم را از آن سلب و قوه ابتکارش را از بین ببریم.

نباید اجازه بدهیم که جماعت مسؤولیت اداره امور، گسترش کار و تأمین هزینه‌های خود را به عهده میسیون یا کمیته اجرایی سازمان کشوری کلیسا واگذار کند. کلیسایی که برای انجام آن کاری که می‌بایست خودش انجام دهد متکی به دیگران شد به جای رشد و نمو رو به فساد و خرابی خواهد نهاد. در تمام این کارها نیکوست که به یاد داشته باشیم که حالت روحانی جماعت اعضا در تمام جنبه‌ها و مخصوصاً در جنبه مالی تأثیر بسزایی دارد. اگرچه ممکن است نتوانیم

با کوشش انسانی کلیسا را خودپرداز بسازیم، ولی با برکت خدا و ریخته شدن روح پرفیضش، این چیزها امکان پذیر می شوند. تحت تأثیر روح القدس، کلیسا تعلیمی را که درباره امور مالی باشد خواهد پذیرفت و برای دست زدن به کارهای تازه بیدار خواهد شد. در اینجا می خواهیم خادمین خدا را نسبت به یک مطلب هوشیار کنیم. اگر وضع روحانی کلیسا خوب نیست، برای مطرح کردن موضوع خودپردازی و انجام تغییرات نیز موقع مناسب نخواهند بود: در اینگونه شرایط باید دعا کرد که روح القدس فرو ریزد و هنگامی که امواج روح بالا گرفت و کلیسا از برکات آسمانی پر شد، آنوقت موقع مناسب است که اعضا تشویق شوند تا مسؤولیت های بیشتری را در کار خدا قبول کنند. در ضمن به یاد داشته باشید که زندگی روحانی کلیسا در درجه اول و روش ها در درجه دوم قرار دارند. اینجا یک نصیحت نهایی به آن شبانی که دچار مشکل تأمین هزینه می شود، می دهیم. شبان باید بدون در نظر گرفتن احتیاجات مالی خودش دادن ده یک را به عنوان یک حقیقت کتاب مقدس به جماعت تعلیم دهد. او باید چون یک خادم امین خدا دادن عشریه را تعلیم دهد. او باید به خاطر نفع جماعت نه به خاطر استفاده شخصی، جماعت را تشویق کند که قبول مسؤولیت نمایند. بگذار حقیقت را با توکل به خدا تعلیم بدهد. خدایی که در ایام قحطی از ایلیا توجه نمود امروز هم از خادمین خودش که کاملاً او را اطاعت کنند و به وی توکل نمایند توجه خواهد کرد.

سؤالات

- ۱- توضیح دهید که مشکل خودپردازی کلیساهای محلی در بسیاری از جاهایی که میسیونر هست چگونه پیدا شد.
- ۲- نشان بدهید که دادن عشریه نقشه ای است که خدا برای نگهداری کلیسا داده است.
- ۳- دو منبع درآمدی که پولس رسول داشت کدامها بودند؟
- ۴- از اینکه پولس گاهی جهت تأمین مخارج خودش کار می کرد چه نتیجه می توان گرفت؟
- ۵- آیا کسی که پایه کار جدیدی را می نهد می تواند برای رفع احتیاجش به کار غیر روحانی اشتغال ورزد؟
- ۶- آیا بعد از تأسیس کلیسا نیز او باید جهت رفع احتیاجش به کار ادامه دهد؟
- ۷- کلیسایی که مسؤولیت تأمین هزینه زندگی شبانش را به عهده می گیرد چه فوایدی عایدش می شود؟
- ۸- شبان باید در مقابل چه کسی احساس مسؤولیت کند؟
- ۹- وقتی که لازم می شود که خادم خدا برای رفع احتیاجش ایمان به خدا را به مرحله عمل بگذارد چه فوایدی دستگیرش می شود؟
- ۱۰- ضررهایی که ممکن است از طرف هم میهنان کسی که از طرف میسیون حقوق می گیرد متوجه وی شود کدامند؟
- ۱۱- نشان بدهید که چگونه تکیه کردن بر کمکهای مالی از خارج باعث محدودیت امکان رشد کلیسا می شود.
- ۱۲- برای تشویق کلیسا که خودپرداز بشود چه قدمهایی باید برداشته شود؟
- ۱۳- وضع روحانی یک جماعت چگونه در وضع مالی آن تأثیر دارد؟

فصل ششم: نیروی محرکه کلیسای عهد جدید

روش‌ها به تنهایی، اگرچه روشهای درستی باشند، کلیسای عهد جدیدی به وجود نمی‌آورند، روش‌های صحیح باید همراه با نیروی رسولان باشد. بدون روش‌های صحیح ممکن است یک نهضت بزرگ روحانی بمیرد یا بلااثر شود. کلیسا، بدون نیروی روحانی، هر چند تشکیلات خوب داشته باشد، از پیشرفت باز می‌ایستد. روش‌های بدون نیرو را می‌توان به یک موتور مرتب و منظمی تشبیه کرد که حاضر است به کار بیفتد، ولی محتاج بنزین و جرقه آتش است. اعمال رسولان تنها نمونه مطمئنی است که از طرز کار واقعی کلیسای عهد جدید صحبت می‌کند. باید به خاطر داشت که رساله‌ها به کلیساهایی نوشته شدند که در وضع مشروح در کتاب اعمال رسولان می‌زیستند و شاهد وقایعی بودند که در آن کتاب نوشته شده است. برای یافتن نیروی محرکه کلیسای نخستین، مطالعه کتاب اعمال رسولان نتیجه مفیدی در بردارد. کلیسای نخستین در دعا می‌زیست. وقایع با ده روز دعا در باب اول شروع می‌شود، در باب دوم کلیسا در دعاها مواظبت می‌نماید، در باب سوم رسولان وقت نماز را رعایت می‌کنند، در باب چهارم همه کلیسا با هم صدای خود را به حضور خدا بلند می‌کنند. سراسر این کتاب مقدس از دعا پر است.

به علاوه، اهمیت بزرگی که در کلیسای نخستین به روح القدس می‌دادند قابل توجه است. به شاگردان دستور داده شد که منتظر آمدن روح القدس باشند. در باب دوم، او (روح القدس) بر ایماندارانی که منتظر بودند فرود آمد و آنها از روح پر شدند. بعداً کتاب اعمال رسولان دقت به خرج داده و شرح می‌دهد که چگونه روح القدس بر سامری‌ها و دسته‌ای که در منزل کرنیلیوس جمع بودند و بر افسسیان فرود آمد. رسولان برای صحبت از روح القدس الهام می‌گرفتند، شماسانی که از روح القدس پر بودند مبشر شدند و رسولان و شماسان به محل کار خودشان هدایت شده و در فعالیت‌های مربوطه رهبری می‌شدند. روح القدس مبادرت به انجام آیات و معجزات می‌نمود، جماعت‌ها را ملزم می‌ساخت، به کلیسا قدرت می‌بخشید، ایمانداران را تشویق می‌کرد که به اعمال فوق‌العاده‌ای در زمینه بذل و بخشش اموال خود برای کار خدا دست بزنند و بطور کلی او رهبر نادیده کلیسا بود. بجاست که اعمال رسولان را «اعمال روح القدس» بخوانیم. تا زمانی که کلیساهای ما حالت روحانی کلیسای نخستین را از نو بدست نیاورند نمی‌توانیم منتظر دیدن کارهای عهد جدید بشویم.

اگر چنانچه کسی بگوید که برکات کلیسای نخستین متعلق به یک عصر گذشته است و امروز ما نمی‌توانیم انتظار آنها را داشته باشیم، در جواب می‌گوییم که ما هنوز در همان زمان فیض زندگی می‌کنیم که رسولان نیز در آن می‌زیستند. روح القدس هنوز در جهان است و عیسای مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است. در حقیقت با خواندن کتاب مقدس دلایلی پیدا می‌شود مبنی بر اینکه خدا قصد دارد در پایان زمان کلیسا کار بزرگی به وسیله روح القدس خود انجام دهد. او وعده داده است که از روح خود بر تمام بشر بریزد. خوشبختانه در بسیاری از نقاط دنیا بیداری‌های روحانی مشاهده می‌شود که آدمی را به فکر وقایع کتاب مقدس میندازد. معجزاتی با قدرت خدایی انجام می‌شود، هزاران نفر بیدار شده و متوجه حقیقت انجیل می‌شوند و ایمانداران تجربه عجیبی از پری روح خدا پیدا می‌کنند. احتمالاً ضعف و سستی که در میان کلیساهای امروز دیده می‌شود به علت فقدان انجیل یا بی‌میلی خدا در ایجاد یک کلیسای عهد جدید نمی‌باشد، بلکه نتیجه نزدیک بینی و ایمان ضعیف ما می‌باشد. بیاید از خدا بخواهیم که ما را از فکری که از وی الهام نشده است آزاد کرده و ما را هدایت کند تا شاهدان مسیح زنده و انجیل نیرومندش بشویم، تا در ایام خودمان کلیسای عهد جدیدی تشکیل بدهیم. عیسی فرمود: «کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت.» و ایشان بیرون رفته در هر جا موعظه می‌کردند و خداوند با ایشان کار می‌کرد و به آنانی که همراه ایشان می‌بودند کلام را ثابت می‌گردانید.»

سوالات

- ۱- لزوم قدرت زمان رسولان را برای به کار افتادن یک کلیسای عهد جدیدی بیان کنید.
- ۲- نمونه صحیح کلیسای عهد جدید را در کجا می‌توان پیدا کرد؟
- ۳- مسیحیان نخستین به دعا چه اهمیتی می‌دادند؟
- ۴- خدمت روح القدس را در کلیسای عهد جدید شرح بدهید.

- ۵- به چه دلیل می‌توان ایمان داشت که کلیسای امروزه می‌تواند دارای تجربه و نیروی زمان رسولان بشود؟
- ۶- چرا امروزه قدرت روح‌القدس به طرز کامل‌تری آشکار نمی‌شود؟

ضمیمه الف: راهنمای پیشنهادی برای تعلیم تازه‌ایمانان

این قسمت از روی قوانین عضویت جماعت‌های خدا در امریکای مرکزی گرفته شده و به عنوان نمونه و راهنمای پیشنهادی جهت جاهای دیگری که احتیاج به چنین قوانینی داشته باشند در اینجا آورده شده است. این قسمت به صورت یک کتابچه مخصوصاً برای تازه‌ایمانانی که اکثراً از کلیسای کاتولیک بیرون می‌آمدند تهیه شده بود. بنابراین نخست آن قسمت از حقایق تعلیمی تشریح گردیده است که در روشن ساختن عقایدی که خارج از کتاب مقدس است به آن مردم کمک می‌کند. بدیهی است، در یک محیط غیرکاتولیک ممکن است ترتیب دیگری مناسب‌تر باشد. به منظور اشغال جای کمتر، این قوانین قدری خلاصه شده است.

قانون ایمان و مشارکت برای جماعت‌های خدا در امریکای جنوبی

مقدمه

هدف این کتابچه عبارت است از تعیین اصول و کارهای مهم کتاب مقدس به عنوان پایه و اساس ایمان و مشارکت مابین اعضای کلیسای محلی. اصول مزبور طوری ترتیب داده شده که یاد دادن آنها به شخص تازه‌ایمان را به سایر ایمانداران تشریح کرده و به وی تعلیم خواهد داد که چگونه مانند یک عضو کلیسا به شایستگی رفتار کند. شبان، یا کسی که از طرف وی تعیین شده باشد، هر هفته کلاس‌هایی ترتیب خواهد داد که تازه‌ایمانان به مدت دو تا سه ماه مطالب این قسمت را مطالعه کنند. کسانی که در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند «اعضای تحت تعلیم» خوانده می‌شوند. در پایان مدت تعلیم، کسانی که در درس‌ها شرکت کرده‌اند مورد امتحان قرار خواهند گرفت تا میزان وفاداری آنان به مسیح و فهمشان از حقایق مسیحیت معلوم شود. بعد از اینکه با دلایلی کافی به هیأت رسمی کلیسا ثابت کردند که دارای زندگی مسیحی هستند، آنها یا آب تعمید گرفته و «اعضای فعال» محسوب خواهند شد. چنانچه خلوص نیت و صمیمیت یکی از اعضای تحت تعلیم ثابت نشود، او تعمید داده نخواهد شد، بلکه تعمیدش موکول به دفعه آینده خواهد گردید. کتاب مقدس دستور می‌دهد که اصول مسیحیت تعلیم داده شود.

- ۱- شاگردان مأمور شدند که در تمام دنیا تعلیم بدهند. متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰ مرقس ۱۶: ۱۵
- ۲- بعد از پنطیکاست، رسولان حقایق انجیل را هم به ایمانداران و هم به غیرایمانداران تعلیم دادند. اعمال رسولان ۲: ۴۰ - ۴۲ و ۴: ۲ و ۱۹: ۹ و ۱۰: ۲۰ و دوم تیموتاؤوس ۲: ۱ و ۲.
- ۳- ایمانداران به عیسای مسیح که کلام خدا را اطاعت کنند برکات زیر را خواهند یافت:
(۱) ایمانشان روی پایه محکمی استوار شده و در خدمت خدا رهبری و هدایت خواهند گردید. دوم تیموتاؤوس ۳: ۱۶ و ۱۷.
- (۲) مسیح به آنها قول داده است که همواره با آنها باشد و کلام خود را با آیات ثابت کند. متی ۲۸: ۲۰ و مرقس ۱۶: ۲۰.
- (۳) آنها شریک محبت خدا خواهند شد. یوحنا ۱۴: ۱۵ و ۲۴: ۱۵ و ۱۰: ۱۰.
- (۴) آنها در آزادی حقیقی روحانی بسر خواهند برد. یوحنا ۸: ۳۱ و ۳۲ رومیان ۸: ۱.

سوالات

- ۱- سه آیه ذکر کنید که لزوم مطالعه این درس‌ها را بیان می‌کند.
- ۲- چهار فایده‌ای را که از این فرایض کلام خدا حاصل می‌شود نام ببرید.

الف-هدف کلیسای محلی

- ایماندارانی که در یک محل زندگی می‌کنند بایستی دور هم جمع شده و یک کلیسا یا جماعت محلی تشکیل دهند. متی ۱۸: ۱۷ - ۲۰ و اعمال رسولان ۸: ۱ و ۹: ۳۱. هدف این جماعت عبارت است از:
- ۱- پرستش خدا در روح و راستی. یوحنا ۴: ۲۳ و ۲۴ مزمور ۱۱۷ و کولسیان ۳: ۱۶. این پرستش روحانی ماست.
 - ۲- یاد گرفتن اصول کتاب مقدس و رشد در معرفت (علم) قدوسیت و محبت. دوم پطرس ۳: ۱۸، دوم تیموتاؤوس ۳

۱۴ - ۱۷ مزمور ۱۱۹ : ۹ و دوم قرنتیان ۷ : ۱ یوحنا ۱۳ : ۳۴ این تعلیم و تربیت ماست.
۳- انتشار خبر انجیل در همه جا به وسیله شهادت زندگی نیک و موعظه کلام خدا، مرقس ۱۶ : ۱۵ ، اعمال رسولان ۸ : ۱.

سؤالات

- ۱- ایماندارانی که در یک محل زندگی می کنند باید چه روابطی داشته باشند؟
- ۲- اولین هدف تشکیل کلیسا را بیان کنید.
- ۳- هدف دوم را بیان کنید.
- ۴- هدف سوم را بیان کنید.

ب - تعلیمات اساسی

۱- کلیسای مسیح

- (۱) کلیسای مسیح قومی است که:
- (الف) با خون مسیح نجات یافته (افسیسیان ۱ : ۷)،
- (ب) از دنیا جدا شده (دوم قرنتیان ۶ : ۱۶ - ۱۸)،
- (ج) به انجیل ایمان دارد (یوحنا ۳۱ : ۲۰) و فرایض مسیح را اجرا می کند (تیطس ۲ : ۱۱ - ۱۴)

(۲) طبیعت روحانی کلیسا به وسیله نشانه های زیر آشکار گردیده است:

(الف) بدن مسیح. افسسیان ۱ : ۲۲ و ۵ : ۲۳ اول قرنتیان ۱۲ : ۱۲ و ۲۷. این نشانه رابطه روحانی را که بین مسیح و ایماندار و نیز اتحادی که بین ایمانداران برقرار است آشکار می سازد. همچنین نشان می دهد که قدرت روحانی در دست مسیح است که سر می باشد، نه در دست یک شخص واسطه در روی زمین. با وجود این خدمات انجیل توسط مردان انجام می شود افسسیان ۴ : ۱۱ - ۱۶.

(ب) بنا یا هیکل. اول قرنتیان ۳ : ۱۶، ۹ و اول پطرس ۲ : ۶، ۷ و افسسیان ۲ : ۲ - ۲۲. ایمانداران عبارتند از «سنگهای روحانی» که در ساختمان این هیکل روحانی به کار رفته اند. از اینجا این حقیقت مسلم می شود که اولاً مسیح صخره ای است که کلیسا بر وی بنا شده است نه حضرت پطرس، زیرا وی رسولی بیش نبود و چون رسول بود مانند سایرین جزئی از اساس کلیسا را تشکیل می داد. افسسیان ۲ : ۲۰. از اینجا استنباط می کنیم که خدا در کلیسا ساکن است تا آن را هدایت کرده و برکت دهد.

(ج) تاک حقیقی. یوحنا ۱۵ : ۱، ۲. همانگونه که شاخه مو نیروی حیاتی خود را از تاک می گیرد مسیح و شخص ایماندار نیز با هم یک اتحاد روحانی تشکیل می دهند. ایماندار شاخه ای است که باید میوه بیاورد خدا که باغبان است، هر ایمانداری را پاک می سازد تا میوه بیشتر بیاورد. عبرانیان ۱۲ : ۵، ۶ - ۱۱ این نشانه به ما می فهماند که ایماندار شریک طبیعت الهی شده و از آنجا ایمان، فیض، محبت و جرأت کسب می کند. ثانیاً، خدا فرزندان خود را تنبیه می کند تا در قدوسیت سلوک کرده و خدمتشان ثمر داشته باشد.

(۳) چگونه می توان عضو کلیسا شد؟ مهم ترین شرط عضویت در کلیسای مسیح تولد تازه است. یوحنا ۳ : ۳ - ۵. سه قدم لازم است:

(الف) ایمان به مسیح و به خون او که از گناه پاک می سازد. یوحنا ۱۴ : ۶، ۳۱ : ۱۶، افسسیان ۱ : ۷، اول یوحنا ۱ : ۹، ۷.

(ب) توبه. اعمال رسولان ۲ : ۳۸ متی ۹ : ۱۳. معنی توبه این است که گناهان خودمان را در حضور خدا اعتراف کرده و از آنها دست برداریم. اول یوحنا ۱ : ۹ و یوحنا ۸ : ۱۱ و ۵ : ۱۴ و امثال ۲۸ : ۱۳.

(ج) ایمان خود را به مسیح در حضور عموم اعتراف کنیم. رومیان ۱۰ : ۹، ۱۰ مرقس ۸ : ۳۸.

(۴) کار کلیسا در روی زمین

(الف) موعظه به همه خلائق. متی ۲۸ : ۱۹ اول پطرس ۲ : ۹ - ۱۰.

(ب) نشان دادن آن قدوسیت و عدالتی که در کتاب مقدس نوشته شده است به اهل عالم. افسسیان ۵: ۲۵ - ۲۷ و متی ۵: ۱۳ - ۱۶.

(ج) غیور بودن برای کارهای نیک. تیطس ۲: ۱۴ غلاطیان ۶: ۱۰ متی ۵: ۱۶، ۴۴ - ۴۵

(۵) تأمین هزینه‌های کلیسا

نجات را نمی‌توان با پول خرید و ما نمی‌توانیم با پول برکاتی را که خدا به ما ارزانی می‌دارد جبران کنیم. اشعیا ۵۵: ۱، ۲ متی ۱۰: ۸. پول برای تأمین مخارج خادمین خدا و رسانیدن بشارت به جهان لازم است. هزینه‌های کلیسا را اعضای آن تأمین می‌کنند. این امر طبیعی است، زیرا اعضای کلیسا در مأموریت کلیسا کاملاً ذی‌نفع می‌باشند. یک دهم درآمد ایماندار باید به خدا اختصاص داده شود. این ده یک می‌باشد. هدایا غیر از ده یک و علاوه بر آن است. دادن ده یک همواره در سه دوره اصلی کتاب مقدس از طرف مردان با ایمان انجام شده است:

(الف) در زمان پتريارکها، قرن‌ها پیش از اینکه موسی شریعت را بیاورد، مردان خدا ده یک می‌دادند، پیدایش ۱۴: ۱۸ - ۲۰ عبرانیان ۷: ۴ پیدایش ۲۸: ۲۲.

(ب) در زیر شریعت موسی ده یک دادن مسلم شد. لاویان ۲۷: ۳۰ - ۳۴ این امر به قدری حائز اهمیت بود که خدا برای انجام‌دهندگان این دستور، برکات مخصوص وعده داد و برای کسانی که از انجام آن خودداری کنند لعنت‌هایی در نظر گرفت ملاکی ۳: ۸ - ۱۰.

(ج) عصر کلیسا. اگرچه کلیسا در زیر شریعت موسی نمی‌باشد (لوقا ۱۶: ۱۶ رومیان ۶: ۱۴)، ولی پولس رسول پرورش ده یک دادن در زیر شریعت به عنوان نمونه‌ای برای تأمین هزینه‌های کار خدا اشاره می‌کند. اعداد ۱۸: ۲۱ و اول قرنیتیان ۹: ۱۳ - ۱۴. کلمه «همچنین» در آیه ۱۴ دقت کنید (سخنان عیسی را نیز در متی ۲۳: ۲۳ ملاحظه کنید). بین ده یک دادن در زیر شریعت و در کلیسا فرق مهمی موجود است. اسرائیلی‌ها این کار را از روی اجبار طبق شریعت انجام می‌دادند. در حالی که ایمانداران از روی محبت و قدردانی به خدا ده یک می‌دهند. دوم قرنیتیان ۹: ۶ - ۸ تمام فصل ۸ دوم قرنیتیان درباره فیض دادن با سخاوت صحبت می‌کند. آیه ۲ نشان می‌دهد که اگر در فقر و زحمت هدیه بدهیم قدر آن در نظر خدا بیشتر است. آیه ۷ نشان می‌دهد که هرگاه از فیض دادن غفلت کنیم نباید آرزوی یافتن فیوضات روح القدس را داشته باشیم.

سوالات

۱- کلیسای مسیح چیست؟

۲- سه نشانه کلیسا را نام ببرید.

۳- معنی هر یک از نشانه‌ها را بیان کنید.

۴- شرط اصلی عضویت در کلیسا چیست؟

۵- سه قدمی را که در جریان تولد تازه موجود است ذکر کنید.

۶- سه جنبه مأموریت کلیسا را بیان کنید.

۷- پول برای چه در کار خدا لازم است؟

۸- پولی که برای انجام کار خدا لازم است چه کسی باید بدهد؟

۹- چه قسمت از درآمد خود را باید وقف کار خدا کنیم؟

۱۰- سه عصری را که در تاریخ کتاب مقدس ذکر شده است و طی آن ده یک می‌دادند نام ببرید.

۱۱- نام یکی از پترياکها را که ده یک داد ذکر کنید. محل این واقعه را در کتاب مقدس نشان بدهید.

۱۲- یک جا نشان بدهید که طبق شریعت موسی دادن ده یک را مسلم کرده است.

۱۳- معنی اول قرنیتیان ۹: ۱۳ - ۱۴ را بیان کنید.

۱۴- فرق میان دادن ده یک از طرف یهودیان در زیر شریعت و مسیحیان کلیساهای عصر رسولان را بیان کنید.

۱۵- آیا صحیح است که شخص فیوضات روح القدس را آرزو کند، ولی فیض دادن را فراموش کند؟

۲- کتاب مقدس

(۱) کتاب مقدس کلام الهام شده خداست که به وسیله آن او اراده خود را به قومش آشکار می‌سازد. دوم پطرس ۱

: ۲۰ - ۲۱. کتاب مقدس قانونی است خطاناپذیر برای ایمان و رفتار که ما را از بین به سوی جلال آسمانی هدایت می‌کند. مزمور ۱۱۹: ۱۱ و ۱۰، یوحنا ۵: ۲۴ و ۲۰: ۳۱ (بجاست که تذکر دهیم که قوانین رفتار مسیحی بیشتر در عهد جدید یافت می‌شود تا در عهد عتیق متی ۵: ۲۷-۲۸ و ۳۹ را ملاحظه کنید، مؤلف،) تثلیث اقدس: پدر و پسر و روح القدس، وجود دارد. تثنیه ۶: ۴، مرقس ۱۲: ۲۹، اشعیا ۴۳: ۱۰-۱۱ متی ۲۸: ۱۹، دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴.

سؤالات

- ۱- کتاب مقدس را شرح دهید.
- ۲- آیا کتاب مقدس کامل است؟
- ۳- خدا چگونه خود را آشکار ساخته است؟
- ۴- آیه‌ای پیدا کنید که نشان دهد فقط یک خدا هست.
- ۵- آیه‌ای پیدا کنید که نشان می‌دهد خدا به صورت تثلیث می‌باشد.

۳- نجات روح (جان)

۱) نجات جان عبارت است از یک تغییر شکل معجزه‌آسای روحانی که خدا در زندگی شخصی به عمل می‌آورد که به کلام خدا و خون مسیح ایمان آورده و از گناهان خود توبه می‌کند: یوحنا ۳: ۳، دوم قرنتیان ۵: ۱۷، یوحنا ۱: ۱۱-۱۳، اول پطرس ۱: ۱۸، ۲۳، ۱۹ و اعمال رسولان ۲: ۳۸.

۲) فقط در مسیح نجات هست. اعمال رسولان ۴: ۱۰-۱۲ و ۱۶: ۳۰-۳۱. یوحنا ۱۴: ۶ اول تیموتاؤوس ۲: ۵. در شریعت موسی نجات نیست (رومیان ۳: ۲۰-۲۲) در پرستش مجسمه‌ها نجات وجود ندارد (خروج ۲۰: ۴-۵ اشعیا ۴۴: ۹-۱۸) مریم مادر مسیح خداوند، قادر نیست که ما را نجات ببخشد، بلکه خود وی نیز محتاج نجات‌دهنده بود. اعمال رسولان ۴: ۱۲ لوقا ۱: ۴۶-۴۸.

سؤالات

- ۱- نجات چیست؟
- ۲- با سه نکته نشان بدهید که نجات را چگونه می‌توان بدست آورد.
- ۳- نجات فقط در چه کسی یافت می‌شود؟
- ۴- اول تیموتاؤوس ۲: ۵ را از بر کنید.
- ۵- آیا مجسمه‌ها در بدست آوردن نجات ارزشی دارند؟ دو آیه نشان بدهید.
- ۶- آیا نجات را می‌توان از راه شریعت موسی بدست آورد؟
- ۷- آیا مریم مادر عیسی، می‌تواند ما را در بدست آوردن نجات کمک کند؟